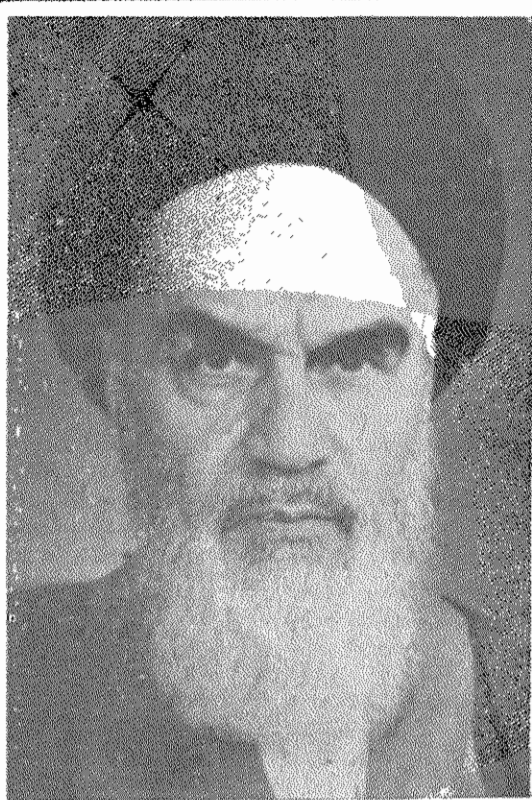


عید نوروز را به هموطنان گرامی صمیمانه تبریک میگوئیم و موفقیت مردم ایران در مبارزه بخاطر تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب را آرزو مندیم



شاد باش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران به امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در آستانه دومین بهار آزادی و بمناسبت عید نوروز، عید همه خلق ستمکش و امیدوارما، کمیته مرکزی حزب توده ایران شادباش های گرم خود را به حضور شما تقدیم میدارد و تندرستی و شادکامی شما را آرزو میکند.

خبر و برکتی که رهبری شما برای انقلاب ما و کشور ما و همه مردم زحمتکش ما به همراه دارد، آنچنان قاطع و اثربخش است که تردید نداریم همه زجر کشیدگان و محرومان جامعه، همه نیروهای اصیل انقلابی و مترقی، و در میان آنها کلیه اعضا و هواداران حزب توده ایران، که چشم امید به ثمرات انقلاب بزرگ ما دوخته اند، در این آرزوی قلبی و صمیمانه همصدای ما هستند.

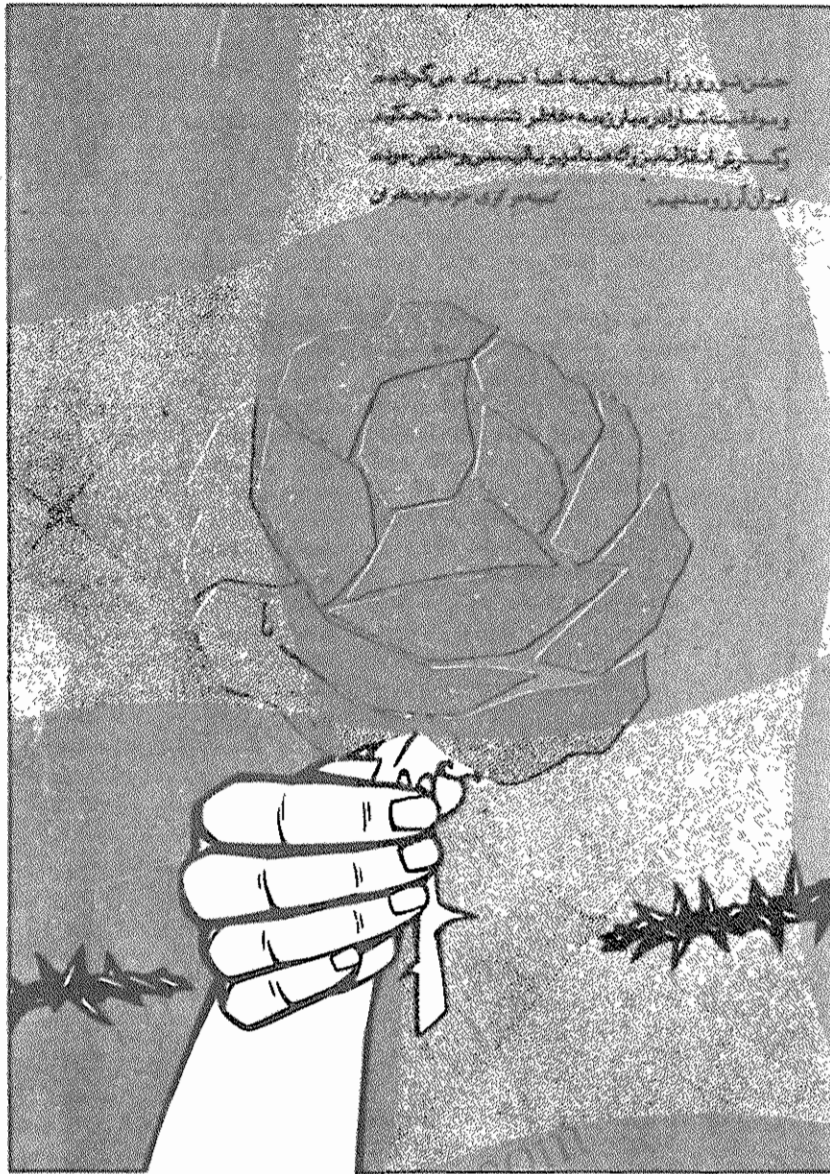
ما راه درازی برای پیشبرد انقلاب و رسیدن به هدفهای ضدامپریالیستی و خلقی آن در پیش داریم و برای پیمودن این راه، بوحدت کلمه و عمل همه نیروهای که این انقلاب عظیم را به پیروزی رساندند، نیاز حیاتی است. شهادت تاریخ و انقلاب ما، رهبری شما نقش قاطع در نیل به این اهداف و در پیمودن این راه دارد.

آرزو داریم در سالی که میآید، انقلاب ایران در نبرد علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و بقایای رژیم مخلوع و در جهاد سازندگی برای بنای ایرانی مستقل، آزاد و آباد، برای سعادت توده مردم، زیر رهبری پیگیر و مدبرانه شما و به نیروی متحده همه مردم انقلابی ایران، به پیروزیهای بازهم بیشتر و بزرگتری نائل آید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول: نورالدین کیانوری

بمناسبت تعطیلات عید «نامه مردم» از روز چهارشنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۸ تا سه شنبه ۵ فروردین ۱۳۵۹ منتشر نمیشود. شماره آینده «نامه مردم» روز چهارشنبه ۵ فروردین ماه منتشر خواهد شد.

توجه!



رفیق کیانوری:

دشوار یهای بسیار زیادی که در برابر انقلاب قرار گرفته، تنها با کمک

جبهه متحد خلق قابل رفع است

تا قبل از پیروزی انقلاب، دو جنبه اول و دوم بطور عمده چهره جنبش انقلاب را مشخص میکرد. وجه تمایز این جنبش، یعنی محتوی طبقاتی مجموعه جنبش، یعنی طیف نیروهای طبقاتی که در جنبش شرکت داشتند، مشخص میکرد. این طیف طبقه کارگر، دهقانان، اقشار میانی خرده بورژوازی شهری (پیشروان، روشنفکران، مین دوستان، کارمندان پایین رتبه دولت) و سرمایه داری ملی (یعنی اقشار کوچک و متوسط سرمایه داری) را دربر میگرفت.

ولی البته شرکت این طبقات در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد و غارتگری سرمایه داری بزرگ وابسته و بزرگ مالکان بیچوجه برای آماجهای یکسانی نبود.

پایان بخشیدن به تسلط غارتگرانه امپریالیسم و رژیم سلطنتی متکی به کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، در چهارچوب و الاثرین هدفهای انقلاب ایران، یعنی انقلاب کامل دمکراتیک ملی مطرح بود.

طبقه کارگر خواستار این بود که با بریدن همه زنجیرهای استبداد امپریالیستی، به غارتگری بی بندوبار سرمایه داری خودی، که در مراحل در جریان گسترش، به وابستگی با امپریالیسم خواهد انجامید، پایان داده شود. طبقه کارگر خواستار برگزیدن راه رشدگیر سرمایه داری بود، راهی که استثمار و غارت سرمایه داری را در همه ابعادش محدود سازد و امکان دهد که ثروتهای ملی و ارزشهای جامعه از بازده کارزحمتکشان، در درجه اول برای بهبود شرایط زندگی بقیه در دسترس

حسن نوروز را صمیمانه تبریک میگوئیم و موفقیت مردم ایران در مبارزه بخاطر تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب را آرزو مندیم.

بمناسبت گذشت یکسال از فعالیت علنی حزب توده ایران پس از پیروزی انقلاب، در آستانه عید نوروز «نامه مردم» بارفوق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران گفت وگویی درباره سیر تکاملی انقلاب و وظایف حزب داشت، که در زیر مهمترین نکات آن به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

یکسال از انقلاب بزرگ مردم ایران گذشته است. چنانکه معلوم است روند انقلاب ایران در سیر تکاملش بسیار پرنوع بوده است. نوسان طبقاتی شدیدی برای تعیین سمت آینده و گسترش انقلاب ایران در جریان است. چشم انداز آینده انقلاب ایران را چگونه می بینید؟

پاسخ: در این زمینه سلسله مباحث با من موافق هستم که انقلاب شکوهمند مردم مین ما، در عین اینکه بطور عمده در چهارچوب اقتضات انقلاب و عدالتجویانه اسلام انجام گرفته، در سه ابعادش دارای یک محتوی روشن طبقاتی بوده و هست. یکی از عمده ترین ویژگیهای انقلاب ایران هم در همین است که نیروی محرکه ناشی از اقتضات عدالتجویانه، ضد استعماری و ضد استبدادی مذهبی، با نیروی محرکه نیرومند ناشی از تشدید تضادهای درونی جامعه، تضادهای ناشی از برخورد خواستهای طبقات محروم و جهت فشار امپریالیسم از یکسو و امپریالیسم و طبقات حاکم از سوی دیگر، در یک جهت قرار گرفته و در یک جهت عمل کرده اند.

انقلاب ما انقلابی است ضد امپریالیستی و در درجه اول ضد امپریالیسم آمریکا. انقلابی است ضد استبداد سلطنتی. انقلابی است خلقی و مردمی، یعنی ضد کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم که پایگاه عمده طبقاتی رژیم چنانچه پهلوی و نظام استبداد سلطنتی و کارگزاران تجارت انحصار های سرمایه داری امپریالیستی بوده اند.

نامه
مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۱۹۵
سه شنبه ۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۱۵

گفت و شنود با رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره انتخابات مسئولیت دخالت ها و نارسائی ها در انتخابات مجلس شورایی ملی با شورای انقلاب و ریاست جمهوری است
در صفحه ۱۱



در ۱۲ صفحه امروز:

- فعالیت های ضد انقلاب و کارشکنی های بورژوازی لیبرال، تلاش عبث برای نجات امپریالیسم خارجی و سرمایه داران داخلی صفحات ۱۰ و ۹، ۲، ۳
- سالگشت ملی شدن صنعت نفت صفحه ۵
- دستاوردهای انقلاب در سالی که گذشت صفحات ۶ و ۷
- چهارشنبه سوری و سیزده بدر صفحه ۹
- سرود پنجم حزب توده ایران صفحه ۸
- عید به کوچ ما نیز آمد... صفحه ۸
- اشعاری از: احسان طبری، سیالوش کسروالی، موج و ا.ع. البرز صفحات ۱۰، ۷، ۵، ۳، ۲
- حاجی فیروز - پیک شادی یا؟... صفحه ۴
- اعلام جرم علیه روزنامه جمهوری اسلامی صفحه ۱۱

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

رفیق کیانوری: دشواریهای بسیار زیادی که در برابر انقلاب قرار گرفته، تنها با کمک جبهه متحد خلق قابل رفع است

احسان طبری

انقلاب

روزان اختیاری برخاست بر گردون خضرائی ز خسارستان خونآلود جستانبازان شیدانسی چسان اختر؟ که صبحی آتشنم دم دارد اندرپی سیمیا نور پارانش روان باشد به همپانسی چسان اختر؟ که مرز شب شکافت با فروغ خود نپان را بر نمی‌تابد، ز بس پاکی و پیدانی برآمد شهباز ارشوان از خون مظلومان ایا خرد وکلان! جنیند از پسر پذیرانی پسر رنگی اگر حریا برآرد خویش را دیگر نخواهد از بلایش وارهاند خوی حربانسی نظور داور عدل است و پسر جمله پندخواهان زمان شرمساریسا رسید و گناه رسوانی از این شوریدگیسا دل مرجانید، تا روزی بگام نساتوان پسر یا شود آتین شورانی کلند انقلاب اول کپسول ویران کند، آخر پدید آرد سرائی روح پرور و دلارانی خداوند عطا بخش است و پسر جنگلی دارد رلهام و تندرستی، دانش و رادی و زیبایسی تو ای دیوی که خواهی در کشی در گام این اختر و جسدت را بسوزاند به انوار اهورانی همه نیرنگ تو در عرصه تاریخ شد بیرنگ زمانت سرگون فرمود تفت حکمفرمانی ز سیر اختر سرخی بر اوج چرخ دانستم که گویای چه پیغامی است از صبح فردا

درجه نیروهایی که همه زیر پرچم اسلام مبارزه میکنند، در گشته و عدت یافته‌است بازتاب همین مبارزه طبقاتی است. مبارزه بزرگ مالکانی مانند آیزدی‌ها علیه استاد رضا اصفهانی، مبارزه مدافین مالکیت بی‌حد و حساب اسلام و روحانیت مبارز که برای «مالکیت مشروع» حد بسیار محدودی قائل است، مبارزه بین آنان که مصادره امور را فحش است، مبارزه را شرط میداند، و آنها که این مصادره را شرط اساسی برای پایه‌گذاری عدالت اجتماعی اسلامی میپندارند و بدان عمل میکنند، بازتاب همین مبارزات طبقاتی است. چشم‌انداز آینده انقلاب ایران هم در همین مبارزه طبقاتی دیده میشود. در این نبرد میان بورژوازی لبرال برای حفظ منافع خود و نظام سرمایه‌داری که از طرف خدا انقلاب هم بطور همه‌جانبه پشتیبانی می‌شود و توده‌های خلق برای محدود ساختن و پایان دادن به فساد سرمایه‌داری، برای پایان بخشیدن به استثمار فرد از فرد. آنگاه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویب رسیده است. آینده انقلاب ایران همین خواهد شد. در هر حال، با در نظر گرفتن تضادهای روزافزون جامعه، با در نظر گرفتن رشد آگاهی طبقاتی در دستمزدین اقتصاد توده‌های زحمتکش و روستا و بورژوازی جوانان باید انتظار داشت که سال آینده، سال زرف‌تر شدن انقلاب ایران، سال تثبیت و تکمیل و گسترش بازم بیشتر دستاوردهای ضد امپریالیستی و خلقی و دمکراتیک آن باشد.

پرسش دوم:

حزب ما با امکانات کم و دشواریهای بسیار، فعالیت علنی خود را برای تثبیت و تکمیل و گسترش انقلاب ایران، برای بازسازی و نو سازی جامعه آغاز کرد.
در مسیر تکاملی انقلاب ایران وظایف توده‌های ها، بورژوازی و تحکیم و گسترش حزب و در مبارزه بی‌خاطر تثبیت و تکمیل و گسترش انقلاب چیست؟
پاسخ: - پرسش شما گویای يك واقعیت انکارناپذیر است. واقعاً اینطور است که به نسبت سایر سازمانها و گروههای سیاسی در ایران، حزب ما با امکانات بسیار کم، در مبارزه با دشواریهای بسیار با وجود کمبودهای فراوان خود نفاخته‌است، در جبهه‌های گوناگون و در سطوح مختلف و در بخشهای مختلف و در شرایط بسیار دشواری که در ماهها و هفته‌های اخیر میان گروهها و گرایشهای مختلف

بورژوازی لبرال، مبارزه طبقاتی در همه زمینه‌ها اوج جدیدی یافته‌است. همانطور که در ماههای پمداش اشغال لاه جاسوسی ایالات متحده آمریکا از طرف دانشجویان مسلمان بیرو خط امام شاهد هستیم، از یکسو مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و همین مبارزه علیه سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ در داخل وارد مرحله جدی تر و عمیق‌تری گردیده‌است، و از سوی دیگر مقاومت سرسختانه بورژوازی لبرال در همه زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و فزونی همکاری بین این قشر و ضد انقلاب و بزرگ مالکان هر روز شدت بیشتری می‌یابد. رویدادهای تبریز، تحریکات در کرمان، خوزستان و سراسر ایران نمونه‌های این تشدید فعالیت

بقیه از صفحه ۱

اکثریت مردم، یعنی توده‌های دهها میلیون محرومان شهر و روستا و قبل از همه بسود کارگران و دهقانان تبیست و سایر زحمتکشان شهر و روستا بیکار افتد، نه برای انباشتن کپسول سرمایه داران و مستعد بازماند روستا و زمین خواران.

قشرهای پایینی و محروم خرده بورژوازی و بورژوازی دهقانان تبیست و زحمتکشان خرده‌های شهری، که تقریباً همه از میان جهان دهقانان تبیست بیرون آمده و به شهرها روی آورده‌اند، برای خواستهای نزدیک به خواستهای طبقه کارگر در مبارزات انقلابی شرکت میکنند. شمار عدالت اجتماعی و نابودی استثمار برای این اقشار محتویات همان برانداختن تسلط غارتگرانه امپریالیسم و کلان سرمایه‌داری و وابسته بزرگ مالکن و محدود کردن غارت سایر اقشار سرمایه‌داری بود. این اقشار هنوز هم با تمام نیرو برای تحقق همین شمار و رسیدن به همان آماجها مبارزه میکنند.

قشرهای بالایی و مره خرده بورژوازی و اقشار پایینی سرمایه‌داری هدیه‌های دیگری داشته‌اند. آنها تسلط غارتگرانه انحصاری‌های امپریالیستی و سرمایه داران وابسته و مالکان بزرگ در فشار بودند. آنها از برانداختن این بخش‌های خون آشام، اینرا انتظار داشتند که امکانات لازم برای گسترش فعالیت سودآور اقتصادی آنان برشود. این اقشار از دهها میلیارد دلار که برای خرید اسلحه بدمصرف و یا به حساب خانواده پهلوی و دستیارانش به بانکهای خارجی سرایز میشد، سهم بیشتری برای خود خواستار بودند. قشر بالایی سرمایه‌داری ملی، یعنی بورژوازی لبرال در موضع دیگری قرار داشت. این قشر هم لنگ لنگان در جریان انقلاب شکوهمند ایران شرکت کرد، ولی آماجهای بسیار نیرورهای جبهه متحد خلق، که در بالا ذکر شد اختلاف کیفی داشت.

بورژوازی لبرال در مبارزه علیه امپریالیسم شرکت میکرد، ولی نه برای برانداختن تسلط همه جبهه امپریالیستی بر همه شئون زندگی اجتماعی ملت ما. بورژوازی لبرال با تسلط مستبدانه و «غارتگری انحصاری» امپریالیست‌ها و وابستگانش در ایران مخالفت داشت. بورژوازی لبرال برای خود شرکت در حاکمیت سیاسی و شرکت بیشتر در سودبری از تروتهای بیکران ملی را خواستار بود. چنین جبهه بورژوازی لبرال، که همان گردانندگان بازار «غیر اسلامی» بخش مشخصی از آسرا تشکیل میدهند، خواستار شرکت موثر در قدرت حاکمه، خواستار تقسیم عادلانه تروت‌های ملی با غارتگران رژیم استبدادی بود. موضعگیری ضد استبدادی این قشر در چارچوب برقراری «سلطنت مشروطه» و «مسلطنت استبدادی فریدی» و موضعگیری ضد امپریالیستی این قشر در چارچوب حفظ عمده مناسبات سرمایه‌داری و تعیین «محدودان» در چارچوب سیاست «گام به گام» چای می‌گرفت. چنین دلیل هم بلافاصله پس از تیام شکوهمند پیمان، که دولت بطور عمده در دست نمایندگان این قشر سازشکار، یعنی بورژوازی لبرال افتاد، بین خواستهای توده‌های انقلابی و این قشر تضادهایمان گردید و هر روز شدت یافت. تا آنجا که ادامه سیاست «گام به گام» دولت مینس با بزرگان، همه دستاوردهای انقلاب، بستگیری ضد امپریالیستی، ضد سرمایه‌داری وابسته و ضد فئودالی آنرا به خطر انداخت.

دولت مینس با بزرگان سقوط کرد، ولی اشتباه است اگر تصور کنیم که بورژوازی لبرال سازشکار و تسلیم طلب، بکلی از اراده قدرت سرنگون گشته است. اشتباه است اگر تصور کنیم که مبارزه طبقاتی و بایروری توده‌ها پایان یافته است. اینطور نیست. با برکنار شدن دولت

تکیه به این جهت عمده کار حزبی، بهر چه به آن معنی نیست که به جهت دیگر کارما، یعنی کار برای گسترش فعالیت حزب در میان سایر اقشار کثرت توجه شود. حزب ما باید به کار در میان دهقانان از راه ایجاد هسته‌های حزبی در روستاها، فعالیت برای متشکل کردن دهقانان بر زمین و کم زمین در کیمت‌های دهقانان بر زمین و کم زمین، بمنظور اجرای فوری و همه جانبه قانون اصلاحات ارضی و ایجاد اتحادیه‌های دهقانی از همه دهقانان زحمتکش برای خواست‌هایشان توجه بسیار میندولد.

حزب ما باید به متشکل ساختن سایر زحمتکشان شهر، کارگران اصناف، آموزگاران، کارکنان زحمتکش بهداشت، کارمندان جزء ادارات و بنگاههای بخش دولتی و خصوصی به‌شانه‌هایش بپردازد. حزب ما باید به‌همراه شکل زنان و جوانان توجه خاص و همه جانبه‌ای میندولد و در این تلاشها نقش کسدرجهت

با توجه به این عامل و محل احداث نیروگاه در نزدیکی پالایشگاه انتخاب کرده‌اند تا از مسازوت تولیدی پالایشگاه مصرف سوخت نیروگاه تأمین گردد.

مساحه تکنیکی این نیروگاه از لحاظ استاندارد جهانی در سطح عالی و تقریباً بی نظیری خواهد بود.

اکنون ساختمان نیروگاه بزرگ دیگری که با همکاری بورژوازی کارشناسان شوروی انجام میشود در نزدیکی احواز در شرف پایان کار میکنند که از برق آنها مناطق

رامسین نام دارد، قدرت تولیدی آن یک میلیون و دویست هزار کیلووات خواهد بود. اکنون نخستین تودین آن با ظرفیت ۳۱۵ هزار کیلووات کار افتاده که از برق آن در رشته‌های صنعتی استفاده میشود.

یک سلسله نیروگاه، که با همکاری کارشناسان شوروی و ماشین آلات و وسایل فنن اقتصاد شوروی احداث گردید در منطقه مرزی ایران و اتحاد شوروی با استفاده از نیروی آب رود ارس کار میکنند که از برق آنها مناطق

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با زداشت دانشجویان ایرانی در آمریکا صادر کردند. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

شما ای برادران و خواهران محترم، ای عزیزان محبوس در جیب‌های دولت ستم‌پیشه آمریکا، بدانید هر قدم شما، هر فریاد شما، علیه آمریکای خونخوار که فریاد حقوق بشر کاذب و دروغینش دنیا را کز کرده است باعث سرفرازی ملت باهاخته و بیخون بنه و انقلاب اسلامی ایران و خدمت به اسلام است. ای فرزندان راستین اسلام با اعتراض هر چه گسترده تر تا به دولت جنایت پیشه آمریکا، به والد‌هایم، این مسدافع حقوق بشر بگویند، چشما و چشم ما را باز کند و گوشه‌های دیگر از جنایات دولت آمریکا را بین ما برد. در سرزمین آمریکا که برادران و خواهران دانشجو می‌روند، مشاهده کنید، فرزندان راستین اسلام، ای رهبران خمینی کبیر، در دود و سلام گرما بر شما که با عمل اعتراض خود مفهوم حقوق بشر را برآوردید و والد‌هایم مسدافع است، افشا و آنرا در رسوا می‌کنید.

تمام بدبختیهای ما و همه مصیبت‌هایی که ملت‌های تحت ستم به آن

همکاریهای ایران و اتحاد شوروی در احداث نیروگاهها

بناظرما دشواریهای بسیار زیادی که در برابر انقلاب قرار گرفته، تنها با کمک جبهه متحد خلق قابل رفع است. جبهه‌ای که سرفظ از محدودیت‌های ایدئولوژیک و سازمانی و فرقه گرائی و انحصار جوئی، همه نیروهای راستین و وفادار به انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی، یعنی ضد غارتگری سرمایه داران وابسته و مالکان بزرگ را در بر میگیرد. تنها يك چنین جبهه‌ای میتواند به بهترین شکل و به بهترین وجه نیروهای خلق را برای تثبیت و تکمیل و گسترش دستاوردهای انقلاب تجهیز کند. نهاد چارچوب چنین جبهه‌ای می‌تواند بهترین و کارآمدترین راه حل‌ها را برای چپ‌رشدن در دشواریهای انقلاب پیدا کرد. راه حل‌هایی که از طرف همه خلق نه باشد، بلکه با جان و دل در با کفایت و ذکاوتی موند پذیرش و پشتیبانی قرار گیرند. حزب ما، حزب واقع بین است و میدانند که با حل و حل مشکلات دهان شیرین نمیشود، با تکرار هزار باره شمار جبهه متحد خلق هم جبهه متحد خلق بوجود نمید آید. لزوم تشکیل جبهه متحد خلق در جریان نبرد برای آماجهای انقلاب از طرف توده‌ها احساس خواهد شد. هم زمان با این روند، کار وسیع ترویجی و تبلیغی و روشنگری حزب ما در تمام سطوح، از میان مردم گرفته تا در گفت و شنودهای سازنده با مسئولین نهادهای مرکزی جمهوری اسلامی میتواند نقش بسیار مؤثری در رومواد کردن راهبرستکلشی که در برابر انقلاب ما قرار دارد، ایفا کند.

هفتش شد
واژه نسامه
سیاسی اجتماعی
امیر نیک آیین

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

فعالیت‌های ضد انقلاب و کار شکنی‌های بورژوازی لیبرال،

فلاش عبت برای نجات امپریالیسم خارجی وسر مایه‌داری داخلی

قدرت سیاسی در پی مبارزات توده‌ای جانباخته مردم و در پی روز قیام مسلحانه از کف رژیم وابسته به امپریالیسم پدر آمد ، اما مبارزه برای کسب استقلال ، برای بیرون راندن کامل امپریالیسم تنها وارد مرحله تازه‌ای شده بود. امپریالیسم آمریکا ، که در طی دهها سال ایران را به نظام مورد نظر خود سازمان داده و هزاران ریشه عمق در کشور ما یاقی نهاده بود ، به تلاشی دیوانه‌وار برای حفظ موقعیت خود و بازگرداندن اوضاع به نسق پیشین دست زد .

امپریالیسم چون هیولای خون-آشامی که چنگال خود را در امعاء واحشاء موجود زندمای فرو برده باشد ، بر حیات جامعه ما ، استیلائی جابرانه خود را تحمیل کرده بود . برای طرد این تسلط نابرابر ، خیانت‌بار و غارتگرانه ، می‌بایست چنگال‌های هیولا را قاطعانه قطع کرد . در غیر این صورت او امکان می‌یافت - و می‌یابد - تا نیات خود را تحمیل کند و انقلاب را به شکست بکشاند .

نیروهای سیاسی جامعه نیز بر طبق اینکه باین سؤال مین ، چه پاسخی داده باشند ، از ابتدای انقلاب به دو گروه کاملاً مشخص تقسیم شدند . یک گروه خواستار جراحی ریشه‌ای و سریع اندام‌های فاسد و قطع فوری پیوندهای وابستگی و گروه دوم خواستار معاشات با «هیولا» و برخورد ملایم و «گام به گام» بودند که لامحاله به «همگامی» میکشید . طبیعی بود که این دو مشی‌مدت زیادی نمی‌توانند در کنار یکدیگر دوام بیاورند . ولی اینهم طبیعی بود که بلافاصله پس از انقلاب ، قدرت سیاسی ، این تضاد آشفتنی ناپذیر ، این تفکرومشی طبقات دارای منافع متضاد را در خود داشته باشد ، زیرا مرحله نخست انقلاب ، که رژیم استبدادی شاه را هدف قرار داده بود ، نیروهای لیبرال یعنی مخالفین دیکتاتوری فردی ولی موافقین رژیم سرمایه‌داری را نیز به‌راه خود کشانده بود و هنوز ماهیت این جدال محتوم که تعمیق انقلاب می‌بایست سرنوشته آنرا همین سازد ، بر توده‌های مردم آشکار نبود و اصولاً در آن مرحله نخست نمیتوانست باحدت و شدت مطرح باشد .

مبارزهای حادثه در عمیق‌تر در پیش بود که آتش آن از همان ابتدا بدلیل تقسیم قدرت سیاسی مابین طبقات دارای منافع متضاد ، هم در بالا و هم در پایین شعله‌ور گردید .

پلنوم ۱۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران ، که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب تشکیل گردید ، این واقعیت را بدروستی توضیح داد . در گزارش هیئت اجرائیه (هیئت سیاسی) کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم شانزدهم ، آمده است :

«مسلماً است که بورژوازی لیبرال ، که تاکنون با جنبش همراه بوده ، میکوشد جنبش را در چارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه های خلقی و مردمی آنرا تضعیف نماید . تجربه همه انقلابها نشان داده است که گسترش جنبش انقلابی در جهت خواسته‌های طبقات و قشرهای محروم جامعه ، بورژوازی لیبرال حاضر شده است از انقلاب رو برگرداند و با اقبانده‌های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آنرا برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکش بکار اندازد .

این انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی مین ما هم ، چنین پدیده‌ها رخ دهند . حتی پیش از پیروزی انقلاب بروصداهایی حاکی از عدم رضایت این بخش از محتوی مترقی نظریات ویتالده خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ، بگوش میرسد و بن عدم رضایت روز بروز شدت پیدا می‌کند .

بورژوازی لیبرال ، همانگونه که رگزارش هیئت اجرائیه به پلنوم هیئت مرکزی حزب توده ایران منعکس است ، حتی در دوران پیش از انقلاب نیز از رشد جنبش انقلابی و عدم انانیش در مهار کردن آن به‌دوشت تاده بود . بورژوازی لیبرال در آن مان نرفته با بختیار برای بر کردن ای خالی شاه مخلوع و پاپیگامه‌سیاسی ط امپریالیسم بر کشور ما ، رقابت بکرد و حتی از بختیار در حفظ

بورژوازی لیبرال ، همانگونه که رگزارش هیئت اجرائیه به پلنوم هیئت مرکزی حزب توده ایران منعکس است ، حتی در دوران پیش از انقلاب نیز از رشد جنبش انقلابی و عدم انانیش در مهار کردن آن به‌دوشت تاده بود . بورژوازی لیبرال در آن مان نرفته با بختیار برای بر کردن ای خالی شاه مخلوع و پاپیگامه‌سیاسی ط امپریالیسم بر کشور ما ، رقابت بکرد و حتی از بختیار در حفظ

بورژوازی لیبرال ، همانگونه که رگزارش هیئت اجرائیه به پلنوم هیئت مرکزی حزب توده ایران منعکس است ، حتی در دوران پیش از انقلاب نیز از رشد جنبش انقلابی و عدم انانیش در مهار کردن آن به‌دوشت تاده بود . بورژوازی لیبرال در آن مان نرفته با بختیار برای بر کردن ای خالی شاه مخلوع و پاپیگامه‌سیاسی ط امپریالیسم بر کشور ما ، رقابت بکرد و حتی از بختیار در حفظ

بورژوازی لیبرال ، همانگونه که رگزارش هیئت اجرائیه به پلنوم هیئت مرکزی حزب توده ایران منعکس است ، حتی در دوران پیش از انقلاب نیز از رشد جنبش انقلابی و عدم انانیش در مهار کردن آن به‌دوشت تاده بود . بورژوازی لیبرال در آن مان نرفته با بختیار برای بر کردن ای خالی شاه مخلوع و پاپیگامه‌سیاسی ط امپریالیسم بر کشور ما ، رقابت بکرد و حتی از بختیار در حفظ

بورژوازی لیبرال ، همانگونه که رگزارش هیئت اجرائیه به پلنوم هیئت مرکزی حزب توده ایران منعکس است ، حتی در دوران پیش از انقلاب نیز از رشد جنبش انقلابی و عدم انانیش در مهار کردن آن به‌دوشت تاده بود . بورژوازی لیبرال در آن مان نرفته با بختیار برای بر کردن ای خالی شاه مخلوع و پاپیگامه‌سیاسی ط امپریالیسم بر کشور ما ، رقابت بکرد و حتی از بختیار در حفظ

در بهار آزادی جای شهدا خالی

جوش هزار چشمه بیدار اندر رگ زمین و بر لب زمین لبخنده شکفته گلزار . خون امید در پیکر جوانه آزاد و رقص گیسوان ابر در یاد . در کشتزار عشق آواز تسمیران و نم نم ترانه باران در گوش نوگسل خندان . آری ، زمین جوان شد و ایام رنگ دگر گرفت اما ، درین میان

ای عاشقان خلق ، جمع شهیدان خالیست جای شمیان در ظلمت شبانه دوران پیونان ستاره پوده‌ایسد در زمهریر زستان چون آتشی ، پراز شراره بوده‌اید اینک که سر زد از افق ، سپیده گلگون اینک که سرکشید از هر طرف شقایقی از خون

اینک ، درین بهسار ای عاشقان خلق ، جمع شهیدان خالیست جای شمیان

ما ، اینک بزیر پرچم کاریم در خانه‌ایم در کارخانه‌ایم گاه ، رنج می‌کشیم گاه ، شاد می‌شویم گاه ، رای می‌نهیم گاه ، مشتمان یکی فریاد می‌شویم اما ، امیدمان همیشه همین است : آزاد می‌شویم .

و ما در این بهار سرخ در راهتان با دشمن زمانه ، هم‌سام بیگار می‌کنیم شب خفتگان خاک را بیدار می‌کنیم .

ا.ع.البوز ۲۶ اسفند ۵۸



درود بر روزبه، افسر حزب توده

روزبه قهرمان ، راهت ادامه دارد ، درود بر کمیته مرکزی حزب ما اینها شمارهایی بود که روز ۲۱ اردیبهشت سال گذشته ، روز شهادت ، پس از ۲۶ سال از زبان دهها هزار توده‌ای ، در پشت‌تو ، بر گزار شد . کسی که نام و یاد سترگ مبارزه‌اش روزبه ، افسر حزب توده ایران و عضو کمیته مرکزی از جانبازیهای سربازان ، درجه داران و افسران ارتش ایران ، علیه رژیم منفرودپولی ، تاثیر شگرف داشت و خود بمظنیر دلاوری و قهرمانی مردم ایران علیه امپریالیسم سلطه‌گر آمریکا تبدیل شده بود ، برای نخستین بار پس از شهادتش ، در زبانها شکفت و یادش وحدت آفرین سفوف دهها هزار نفر گردید .



قوانینی که تصویب نشده استفاده کند» گفت ، عطفوت و مهربانی بر کلامش و لذا دولت او «در همان نظام سابق» نشست . مهندس بازرگان ، در اواسط فروردین ، تصفیه ارگانهای کشوری و لشکری را از عوامل رژیم سابق ، «انتقام جوئی» نامید و در خرداد ماه گفت : «انتقام بس است ، بعد کافی انتقام گرفتیم» . حسن نزیه نماینده دیگر بورژوازی لیبرال ، دادگاههای انقلاب را مورد حمله قرار داد و تلویحا

حاجی فیروز- پیک شادی یا؟

این روزها در جوار دختران و پسران جوان بوستر بندست و پر از شور و هیجان انتخابات تبلیغاتی ، که چهره کشور را بکلی دیگرگون کرده اند ، قیافه ها و آواهای جالب دیگری نیز جلب توجه میکند ، که گرچه در اصل قدیمی و سنتی اند ، اما امسال به میمنت رویداد انقلاب ، درخور توجه ویژه ای شده اند .

اینها همان «حاجی فیروزهای سالی یروز» هستند ، که بظاهر پیک شادی و بهار و در اصل بیاتر فقر عیان و بیکاری مداوم جوانهای ما هستند .

امسال که توده های عظیم خلق ، به برکت انقلاب پیروزمند ما ، در تعیین سرنوشت خویش شرکت فعال جسته اند ، باز هم با کمال تأسف مساله بیکاری و فقر ، پس از یکسال که از انقلاب میگذرد ، همچون سالهای پیش مساله بفرنج و اساسی باقی مانده است .

اگر سالهای رژیم طاغوتی از کنار «حاجی فیروز» گذشته ایم ، امسال ، سالی دیگر است و گذشتن از کنار این پدیده ، بالبخندی و بذل سکه ای ناچیز ، نه تنها درست نیست ، بلکه در نظر نگرفتن مسئولیتی اجتماعی در مورد یک معضل مهم اجتماعی است . درست به قیافه های رنگزده و هیكلهای فرمز پوش و سرولباس فانتزی اینها نگاه کنید ، اکثرا

جوان و یا کودکان پس تحصیل هستند ، که ناقص و غلیل هم نیستند و حتی گاهی پس ورزیده ، سالم و کارآمدند . پس از چهره به چهره ممر درآمدی استثنائی روی آورده اند و چه عاملی سبب کشاندن آنها بخیاپانها و گذرگاهها با چنین شکل و شمایل شده است ؟ آیا باید باز هم به صرف اینکه وجود «حاجی فیروز» نشانه آمدن عید و بهار است و باید چنین باشد که آنها بیایند و برقصند و بروند ، میتوان از کنار این مساله گذشت ؟ آیا میتوان یابین بهانه که این ، رسمی «سنتی» است ، فشار فقر شدید و بیکاری رنج آور را ، که برگرداند این قرمزپوشان روی سیه کرده ی خندان ، نشسته است ، نادیده گرفت ؟

کافی است مجسم کنید که هریک از این حاجی فیروزهای بزن و پکوب ، دل تکه زمینی ، هر چند بی بار را ، پادستهای جوان خود میکانند ، شخم میزنند ، میکارند و آنگاه در پی درو ، ثروت و نعمت را بسوی شهرها و ولایات سرریز میکنند ، و یا در نظر آورید که همه اینها در کارخانه های مختلف ، از یک تکه آهن ، یک تکه سنگ ، هر چند پولادین ، هر چه سخت ، شکلبا و حجمهای گونه گون میپردازند که هریک ابزاری در دست ما برای انجام کاری خواهند بود ، آنوقت است که بی اختیار متاثر میشوید و یادین آنها بجای خندیدن ،

بفکر فرو میروید ، بفکر فرو میروید که چطور میتوان دلهای بظاهر شاد آنها را ، قبل از آنکه تخم کین در آنها افشاندن شود ، واقعا شاد کرد . اینها افرادی هستند که مایل به کسب روزی حلال اند و در پی نان شرافتمندانه ، بکارهای آبرومند متمایل ، و حالا بناچار «حاجی فیروز» شده اند تا من و شما را دلشاد کنند . اما بعد چه ؟ آیا باید منتظر ماند که آنها هم روزی ، دست تکدی بسوی ما دراز کنند ؟

پس باید از دولت انقلابی مصرا خواست که هر چه زودتر در پی حل معضل بیکاری وریشه کن کردن بنیادی فقر ، به اقدامات اساسی و جدی دست بزند و قبل از آنکه کفگیر به ته دیگ صبر انقلابی توده ها بخورد ، آنها را دریابد . از مسئولان امر بخواهیم که در صدد حل جدی مشکلات واقعی توده های صبور و رنجبر ما باشند .

آیا باید باز هم هشدار مکرر در مکرر داد که ضد انقلاب ، از این راه پراحتی نقبی به دل انقلاب بزند و آنرا از داخل بساید و بفرساید ؟ بنابراین بردولت انقلابی است که در آستانه دومین بهار آزادی ، به پاس خون شهدای انقلاب توده ها ، رعایت حقوق مسلم هر فرد را ، که از اصول مهم آن یکی هم «کارگردن» است ، بکند و شادی واقعی را در دلهای ناشاد بیکاران و «حاجی فیروز» شده ها ، روان سازد .

فعالیت ضد انقلاب

بقیه از صفحه ۴

«صاحبان صنعت و تجارت را دعوت بکار کنید. این بزرگترین عامل برای رفع بیکاری خواهد بود!» بورژوازی لیبرال «اصلاحات ارضی» شاه مخلوع را کمال مطلوب میدانند. ایزدی وزیر کشاورزی دولت موقت ، که خود یک زمیندار بزرگ است ، اعتقاد داشت:

«اصولا ما قبلا هم فئودال نداشتیم، چرا که پس از اصلاحات ارضی، هیچکس مالک بیشتر از یک ده نبود». (اطلاعات، ۱۸ مهر ماه) و «بعد از اجرا شدن مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی ملاحظه میشود که دیگر کسی در این مملکت حتی یک ده شش دانگ هم ندارد و همه اش قسمت شده است!» (انقلاب اسلامی، ۱۹ مهر).

نمایندگان بورژوازی لیبرال که اکثریت آنها در دوران انقلاب به «اسلام» گرویدند، همچنین اعتقاد راسخ دارند که: «در اسلام مالکیت حدود ندارد» (ایزدی - انقلاب اسلامی، شماره ۹۱)

بورژوازی لیبرال که برای فریفتن مردم و مقابله با مشی ضد امپریالیستی و خلقی رهبر انقلاب، خود را در زیر لوای «آزادیخواهی» پنهان ساخته است، در واقع از «آزادی»، جز آزادی احزاب بورژوازی، آزادی بیفراگران و آزادی جنایتکاران را نمی فهمد.

مهندس بازرگان و ایضاً سخنگوی دولت موقت ایشان در زمان حیات این دولت گفتند و تکرار کردند که قانون استبدادی منع فعالیت حزب توده ایران، کماکان بقوت خود باقیست.

سخنگوی دولت موقت، عباس امیر انتظام، یکبار زمانیکه از ضرورت رعایت قوانین رژیم شاهنشاهی تا زمانیکه لغو نشده اند سخن میگفت، در پاسخ این سؤال که:

«پس چطور حزب توده فعالیت می کند و ارگانه های حزب منتشر میشود؟» گفته بود:

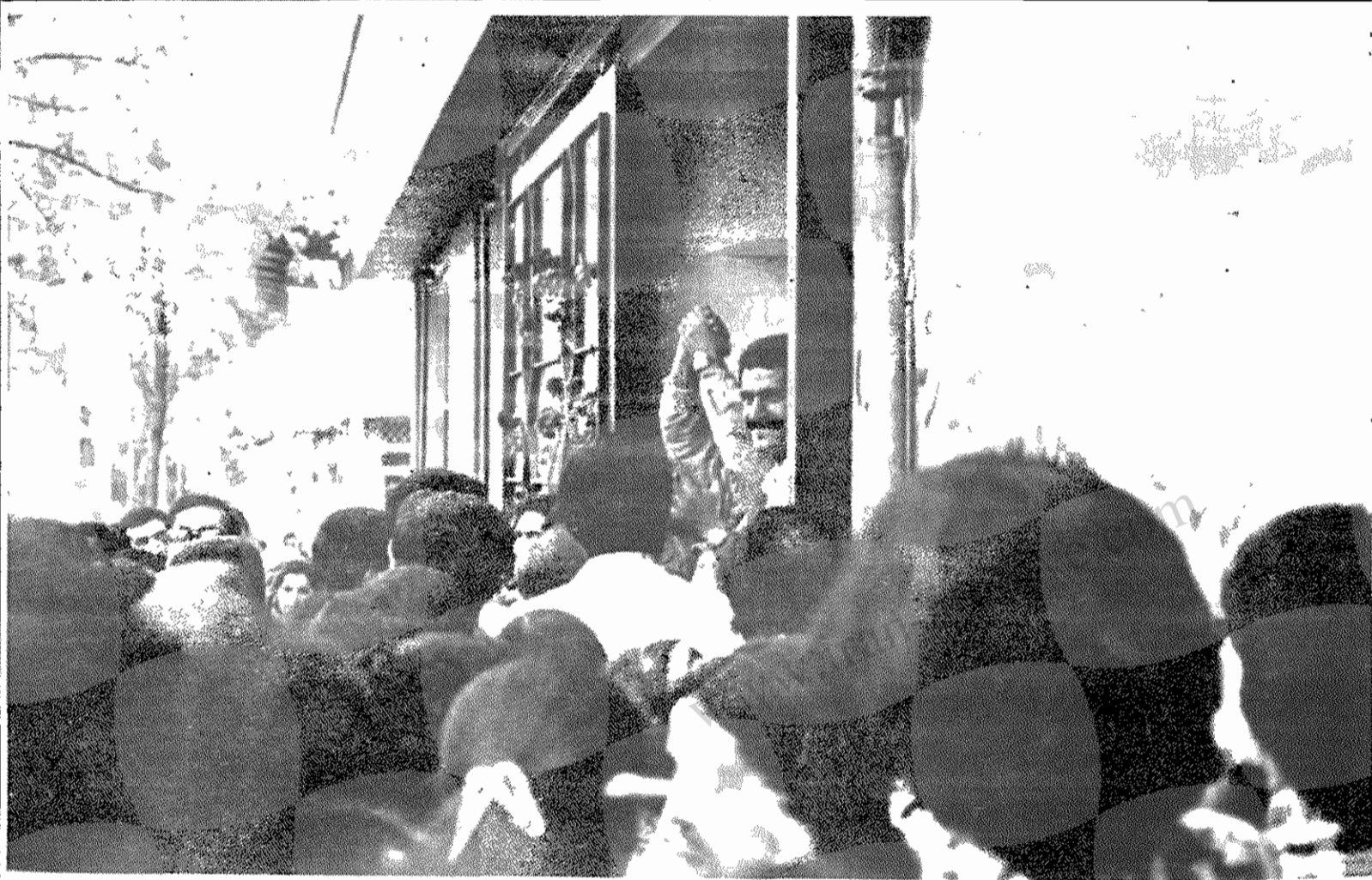
«شاید این امر زیادی آزادی را که حکومت داده است، نشان میدهد!» (کیهان ، ۲۹ فروردین ۵۸) بورژوازی لیبرال همانگونه که گفتیم ، پس از انقلاب ، با چنین موضعی بخشی از قدرت سیاسی را در اختیار گرفت و هنوز هم بهیچ وجه وسیعی در اختیار ندارد. در مقابل خط بورژوازی لیبرال ، که خواستار همکاری با امپریالیسم آمریکا و حفظ نظام سرمایه داری است، نظامی که در دوران ما بدون تردید کار را به وابستگی به انحصارات امپریالیستی میکشاند ، خط ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی توده های انقلابی مردم قرار دارد . این خط که بواسطه مشی قاطع ضد امپریالیستی و خلقی رهبر انقلاب ایران ، خط امام لقبی یافته است ، خواستار دگرگونی بنیادی نظام اجتماعی - اقتصادی پیشین ، قطع کلیه وابستگی های اسارت بار به امپریالیسم ، لغو قرار - دادهای نابرابر با امپریالیسم و تحول بنیادی جامعه بسود زحمتکشان است.

محتوای ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی این خط در برنامه جبهه متحد خلق ، که در پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران تصویب گشت ، بطور کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است .

بازگشائی مجدد دفتر «مردم»

دفتر «نامه مردم» که طی یک هجوم سازمان یافته از راست به نیروهای مترقی و انقلابی ، بدون هیچگونه دلیلی مبر و موم شده بود ، پس از ۶۰ روز در ۲۸ امین سالگرد تاسیس حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، گشوده شد .

پیمان «مردم» ۲۸ ساله با مردم ناگسسته است. گل سرخ ، پیمان اتحاد ، لبخند و مردم در بازگشائی دفتر «مردم» ، ارگان مرکزی حزب توده ایران :
گر پیش تودیواری از آهن بنشانند دانند چندان نتوانند بدانند



مبارزه با انقلاب ایران و حفظ مواضع سیاسی و منافع اقتصادی نشان میدهد. امپریالیسم آمریکا میکوشد از طریق ععال مستقیم خود ، یعنی هزارها ساواکی و ضد اطلاعاتی ، که از چنگ مجازات گریخته اند و نیز توسط جاسوسان «سیا» ، ارگانه های مهم کشوری ، لشکری و نیز نهادهای انقلاب را زیر نفوذ خویش قرار دهد و علیه «محرکین» (یعنی کسانی که خواستار درهم کوبیدن بقایای رژیم سرنگون شده و تغییر بنیادی نظام اقتصادی ، اجتماعی و جامعه اند) به مبارزه بپردازد ، در انتظار مردم ، «آنها را بی اعتبار و منفرد سازد . او بخوبی به نقش و اهمیت طبقات و نیروهای مدافع خط مشی امپریالیسم یعنی «سیاستداران ، میانرو» یا لیبرالها واقف است ، که مردم را آرام سازند . او همچنین میدانند که لیبرالها نمیدانند که در پس کوشش نامیوم آنها ، امپریالیسم «کنترل سفت و سخت» برقرار خواهد کرد و همه چیز را نابود خواهد ساخت . تجربه انقلاب ما بخوبی نشان میدهد که بورژوازی لیبرال بقیه در صفحه ۴

«کوخ نشینها هستند که سرمایه این مملکتند ، نه آن کاخ نشینها» .
«قلم و گفتار و عمل خود را در راه خدمت به خلق مستضعف بکار اندازید...»

امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی انقلاب ایران

هنوز چندی از پیروزی نخستین مرحله انقلاب نگذشته بود که توسط فردی بنام رالف شانن ، عضو هیئت اجراییه «کمیته آمریکائی برای آزادی در ایران» ، فاش شد که سرهنگ توکلی ، رئیس ستاد عملیاتی ارتش در ملاقاتهایی که قبل و بعد از انقلاب باشانمن داشته است ، بیامسایی توسط او برای دوستان آمریکائی فرستاده است. سرهنگ توکلی بلافاصله پس از افشای این ملاقاتها مجبور به استعفا گردید و شانن اندکی بعد ، از ایران اخراج شد و راز چگونگی واقعه بکلی مسکوت ماند. ولی سخنانی که شانن به توکلی نسبت داده است ، آنچنان مهم است و استراتژی امیر - یالیسم آمریکا را با وضوحی شگرف بیان میکند که این سخنان هنوز هم پس از قریب به یکسال تا حدود زیادی تازگی و آوزندگی خود را حفظ

«در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکاست» .
خط امام خواستار اتحاد کلیه نیروهای ضد امپریالیست علیه دشمن شماره ۱ مردم ایران است:
«هر اختلافی بنفع آمریکا و دیگر اجانب است» .
«اسلحه های سرد و گرم... را از نشانه گیری بر روی یکدیگر منحرف و بسوی دشمن انسانیت که در راس آنها آمریکاست ، نشانه روید» .

«قشرهای ملت با هر مسلکی که دارند ، با هر فکر سیاسی و یا مذهبی که دارند ، لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه جنایات بیشتر دولت آمریکا موضعی خصمانه گرفته و بفکر اشکال تراشی و تفرقه اندازی که بسود دشمنان کشور ماست ، نباشند...»
خط امام از منافع مردم زحمتکش مدافعه و علیه مطامع مستکبرین مبارزه میکند :

«مملکت مال زاغه نشینان اطراف تهران است ... ما را اینها اداره کردند و می کنند ... بازاری ، کشاورز ، کارگر ... آن طبقه بالا با ما کاری نداشتند و حالا هم کار شگنی میکنند و همه چیز میخواهند» .

خط امام ، که قدرت سیاسی ، رهبری انقلاب ، امام خمینی و بخشی از شورای انقلاب اسلامی ایران و بخشی از نهادهای انقلابی را در برمی گیرد ، از ابتدای انقلاب ، در مبارزه ای شدید و پیگیر با مشی سازشکارانه بورژوازی لیبرال درگیر بوده است و آتش این نبرد ، هر قدر که قشر بندی در میان طبقات جامعه سرعت می یابد و هر قدر جنبه ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب تعمیق میگردد ، فرورزانت و شعله ورتر میشود .
امام خمینی ، رهبر انقلاب ایران ، در طی نطقها ، سخنرانیها و مصاحبه های خویش ، ویژگی های اساسی این مشی را به زبانی ساده و گویا ، که بر قلب و مغز توده های رنج دیده مردم ما اثری شگرف می نهد ، بیان کرده است .
خط امام دشمن آشتی ناپذیر امپریالیسم آمریکاست و آنرا بزرگترین و اصلی ترین دشمن انقلاب ایران می داند .
«تمام گرفتاری های ما از آمریکاست»
«همه ملت ما دشمن شماره اول خودش را امروز آمریکا میدانند» .
«تمام این بحرانهای را آمریکا ایجاد میکنند» .
«باید تمام تجهیزات ما بطرف این دشمن باشد» .

سالگشت ملی شدن صنعت نفت



آن... سرودها

بوی خوش میوزده بهار رسید
 پرویندیه باغ مژده دهد.
 آن کبودوسیان مستان رفت
 هفت رنگی بهار شاه رسید.
 پرده یکسوزنید، ها ن خورشید
 چلچله است این، درپچه بکشاید.
 کاج، پرف از سراز کاکل ریخت
 پونه گنجشک ز آشیانه پرید.
 پوسر شاخهها شکوفه شکفت
 از دل پر کهها ستاره دمید.
 یخ دریاچههای خفته شکست
 دل آرام آبها بپشید.
 آنچه نوشیده بود کوه بلند
 پشتر آبیک ز چشمها جوشید.
 هرچه از رنگ سبز میداندید
 گونه گونش به خاک می بینید.
 دامن دشت شوق بوته گل
 پنجه شاخسار پر ز نوید.
 سپری شد فصل اشد و عزا
 آمد آبیک دوباره موسم عید
 در دلش پای بسته بکشوند
 پایکی سحرگون کلید امید.
 خلق در شور و در سرور سرود
 در تکاپوی و گرم گفت و شنید.
 درستیزند دوستان نجیب
 در گریزند دشمنان پلید.
 چون بهر باغ میروم خالیست
 جای آن سرودها که میداندید
 می کشم نغمه ای به یانگ بلند
 زیر این طارم سیاه و سپید
 کای شمایان که دست در آغوش
 گرم گرم محفلی دارید
 به شگون رسیدگان بهار
 از شپیدان رفته یاد کنید.

اسفند ۱۳۵۸

سیاوش کسرائی

زمینه ها صورت گرفت، مقیاس
 دهها و صدها برابر عظمت و
 بیشتر داشت. مثلا شرکت غاصب
 انگلیسی نفت در دوران تسلط پنجاه
 ساله خود سیصد میلیون تن
 ذخایر نفت ایران را بنابر برد.
 کترسیوم در ربع قرن پس از
 کودتا ۴ میلیارد تن ذخایر نفت
 ایران را به تصرف غاصبانه خود
 درآورد، که قسمت عمده آن
 نصیب انصارات آمریکایی گردید.
 در دوران تسلط شرکت غاصب
 سابق نفت ایران از تسلط سیاسی،
 اقتصادی و مالی امپریالیسم لطبات
 زیادی دید، ولی آثار زیان بخش
 تسلط نواستعماری کترسیوم،
 تسلط نظامی، اقتصادی، مالی،
 فرهنگی و سیاسی امپریالیسم،
 بویژه امپریالیسم آمریکا در ربع
 قرن اخیر در تمام شئون زندگی
 کشور ما چنان همه جانبه و عمیق
 بود که ایران حتی از نظر تأمین
 غذای روزانه وابسته به امپریالیسم
 گردید.

جراحی که تسلط امپری-
 یالیسم آمریکا و انصارات غارتگر
 نفتی در ۲۵ سال اخیر در زمینه
 استقرار سیاه ترین رژیم های
 دست نشانده دیکتاتوری پلیسی
 پکتور ما وارد آورده اند، نمونه
 و نظیر تاریخی کتری دارد. در
 همه دوران چین رژیم سیاه پلیسی-
 دیکتاتوری دست نشانده ای نظیر
 رژیم سلطنتی محمد رضا شاه به
 کشور ما تسلط یافته، به شکست
 نشد بود. در هیچ دورانی مردم
 ایران، بویژه نیروهای مترقی و
 مبارز آن، امپراتورهای و روحانی،
 پسر جوان، زن و مرد، این چنین
 در معرض تهاجم پلیس مجاز به
 شیوه های قرون وسطایی و ینگی
 دنیای زجر و شکنجه و مرگ قرار
 نگرفته بودند. آزادی و دمکراسی
 در ایران طی ۲۵ سال تسلط رژیم
 کودتا آنچنان پایمال و نابود
 گردید که خواص و استبداد آنچنان
 جای اول را در سیاست دولتی
 گرفت که محققا نخواهیم توانست
 جز در فاشیسم هیتلری نظیری
 برای آن پیدا کنیم.
 این همه صدمات و لطبات

میعاد گاه رزم ضد امپریالیستی اینجا خیابان طالقانی و لانه جاسوسی کسخیر شده امپریالیسم آمریکاست. اینجا گوشه ای از میلیون ها مردم زحمتکش هستند که از دورترین زوایای کشور به تهران و در قلب تهران، به مقابل لانه توطئه ها و جنایات عمال مستقیم امپریالیسم آمریکا، شتافتند و با دانشجویان دلاوری که دولت را سر از گردن نهاده و عهد و پیمان بستند. اینجا میعاد گاه رزم ضد امپریالیستی مردم ایران است.

ملی دکتر محمد مصدق زمام امور
 را بدست گرفت، بلکه با تکیه
 بر پشتیبانی خلق توانست از شرکت
 انگلیسی نفت خلع ید کند، به
 تسلط این هیولای نفت خوار، که
 دولتی در دولت ایران بود، پایان
 دهد، امپریالیسم انگلیس را از
 مواضع سیاسی خود در ایران
 براند و زمینه را برای حرکت ایران
 در راه استقلال و پر خودداری از
 آزادی و دمکراسی، که شرط
 اساسی پیشرفت جامعه و کشور
 بود، فراهم آورد. در نیل به
 تمام این هدفها، دولت ملی
 دکتر مصدق با پشتیبانی کامل
 همه مردم و در پیشاپیش آنها،
 اسبیل ترین نیروهای مترقی - حزب
 توده ایران برخوردار بود.

اما در جریان جنبش ملی
 شدن نفت عدم تفاهم نیز وجود
 داشت. منبع این عدم تفاهم
 نیروهای مترقی نبودند و نمی-
 توانستند باشند، ولو اینکه
 اشتباه و یا خطای مومسی نیز
 مرتکب شده باشند. منبع عدم
 تفاهم نیروها در دوران ملی شدن
 نفت کترشکنی و اختلال محافل
 امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی
 بود، که بر زمینه تاملات
 سازشکارانه بورژوازی لیبرال،
 ملاکین و سرمایه داران بزرگ،
 مانع از اتحاد قوای خلق می گردید
 و در صف نیروهایی که نمیتوانستند
 در جبهه واحد علیه تسلط امپری-
 یالیسم قرار داشته باشند و با
 اشتراک سیاسی به خنثی کردن
 توطئه های آن بپردازند، تفرقه
 و جدائی می انداخت.

جنبش ملی شدن نفت از زمین
 موضع و تومی که سران جبهه
 ملی آن زمان و متاسفانه حتی
 شخصیت دکتر مصدق نسبت به
 دنیا حسنه آمریکا در مورد ایران
 داشتند، آسیب پذیر گردید.
 امپریالیسم و ارتجاع داخلی
 در اعطای پایندگی، پس از آنکه
 جنبش ملی شدن نفت دو سال و
 نیم تمام ادامه یافت و به پیروزی-
 های چشمگیری در زمینه های حیثه
 استقلال سیاسی و اقتصادی ایران
 نائل آمد، توانستند با کودتای
 ۲۸ مرداد جرح تاریخ را در کشور
 ما به عقب برگردانند. کودتا به

تصویب قانون ملی شدن نفت
 در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس،
 که اکثریت آنان را نمایندگان
 غیرمنتخب مردم تشکیل میدادند،
 انعکاس پیروزمندی مبارزات
 ضد امپریالیستی مردم ایران بود.
 این پیروزی خود سر آغاز دورانی
 بود که پس از رفتن رضاخان
 همچنان در قدرت باقی ماند و به
 غارت ذخایر نفت ایران و دخالت
 در امور داخلی کشور مانع
 داد. با این وجود پس از شهریور
 ۱۳۲۰، با آغاز ادامه مبارزات
 ضد فاشیستی، دمکراتیک و ملی
 ملت ایران بار دیگر تمایل خود
 را به رهائی از سلطه امپریالیسم
 طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷،
 در راه استقلال و آزادی و
 آزادی و دمکراسی، که شرط
 اساسی پیشرفت جامعه و کشور
 بود، فرام آورد. در نیل به
 تمام این هدفها، دولت ملی
 دکتر مصدق با پشتیبانی کامل
 همه مردم و در پیشاپیش آنها،
 اسبیل ترین نیروهای مترقی - حزب
 توده ایران برخوردار بود.

جنبش ملی شدن نفت از زمین
 موضع و تومی که سران جبهه
 ملی آن زمان و متاسفانه حتی
 شخصیت دکتر مصدق نسبت به
 دنیا حسنه آمریکا در مورد ایران
 داشتند، آسیب پذیر گردید.
 امپریالیسم و ارتجاع داخلی
 در اعطای پایندگی، پس از آنکه
 جنبش ملی شدن نفت دو سال و
 نیم تمام ادامه یافت و به پیروزی-
 های چشمگیری در زمینه های حیثه
 استقلال سیاسی و اقتصادی ایران
 نائل آمد، توانستند با کودتای
 ۲۸ مرداد جرح تاریخ را در کشور
 ما به عقب برگردانند. کودتا به

انجامید و در همسایگی ایران
 کشور شوراهای، با حاکمیت طبقات
 زحمتکش - کارگران و دهقانان
 ایجاد گردید، مجاهدتهای انقلابی
 مردم ایران نیز برای دسترسی به
 استقلال و آزادی و تملک ثروتهای
 ملی، از جمله نفت بیش از پیش
 ترقوی یافت. قیام جنگل برهبری
 میرزا کوچک خان، جنبش ملی در
 آذربایجان برهبری شیخ محمد
 خیابانی، قیام کلنل پسیان در
 خراسان، انقلاب گیلان و استقرار
 جمهوری شوروی گیلان، مخالفت
 عمومی با انعقاد قرارداد تنگین ۱۹۱۹
 انگلیس و ایران طی سالهای ۲۲-
 ۱۹۱۶، بخشی از این جنبشها را
 تشکیل میدهند. از آنجا که
 در شرایط جدید، امپریالیسم
 انگلیس یکه تاز عرصه سیاست در
 کشور ما ایران بود، نه تنها
 مجاهدتهای انقلابی مردم ایران به
 ثمر رسید، بلکه ارتجاع و استعمار
 انگلستان زمینه مساعدی را برای
 ادامه تسلط بر ایران، بویژه ادامه
 غارت نفت ایران فراهم آوردند. این
 زمینه مساعد با کودتای سوم حوت
 ۱۲۹۹ پایه گذاری شد، طی آن
 رضاخان قزاق بدست انگلیس با
 قدرت رسید و سلطه پنجاه ساله
 خاندان دست نشانده پهلوی را به
 قصد ادامه اسارت استعماری امپری-
 یالیستی ایران و قیل از همه ادامه
 غارت ثروت نفت بوسیله سرمایه های
 انصاری غارتگر فراهم آورد.
 مردم ایران در صدر رهائی خود
 از تسلط ارتجاع، استعمار و
 امپریالیسم بودند. اما رضاخان قلدر
 جز تحکیم سلطه امپریالیسم بر
 ایران به منظور ادامه غارت ثروت
 نفت وظیفه دیگری برای خود نمی-
 شناخت. بر پایه همین خیانت
 بود که رضاخان، هنگامیکه ایران
 نمیتوانست به عمر قرارداد باز
 پایان دهد، در جریان یک توطئه از
 قبل پیشبینی شده، به تحمیل
 قرارداد تنگین تری در نفت اقدام
 کرد. این قرارداد، همان قرارداد
 تنگین ۱۹۳۳ بود، که نه تنها
 شرایط مساعد تری برای تسلط
 غارت ذخایر نفت ایران در اختیار
 امپریالیسم انگلیس میگذاشت،
 بلکه سی سال دیگر هم امتیاز ۶۰
 ساله نفتی داری را تمهید میکرد.
 بدینسان بود که شرکت غاصب
 انگلیسی نفت توانست موضوع
 غارتخانه خود را در ایران بوسه
 چنین غارت نفت ایران و استعمار
 زحمتکشان کشور ما را در نیمه
 اول قرن بیستم به مقیاس عظیمی
 توسعه دهد.

جنگ جهانی دوم به طرد
 دیکتاتوری رضا شاه انجامید. لیکن
 برای طرد تسلط استعمار و امپری-
 یالیسم، منجمه لغو قرارداد داری
 در ایران صورت گرفت. بویژه
 پس از پیروزی انقلاب کبیر
 سوسیالیستی اکبر، که به
 داده شد. سپس تا اوایل قرن
 بیستم، ملی سه دهه تلاشهای
 بسیاری برای تسلط بر نفت ایران
 از جانب همه دول استعماری و
 امپریالیستی آلمان صورت گرفت.
 در این میان بار دیگر امپریالیستی
 انگلیسی بودند، که پس از آنکه
 مسلم شد ایران دارای ذخایر
 غنی نفت است، با استفاده از
 تسلط خود بر دبر خود فروخته
 قاجار به کسب اولین امتیاز مستقل
 نفت، امتیاز معروف «داری»،
 در ایران نائل آمدند.
 با امتیاز داری غارت ایران
 در ساحتی شامل سه چهارم وسعت
 کشور برای مدت ۶۰ سال در
 اختیار سرمایه های انصاری غارتگر
 انگلیس قرار گرفت. با این
 امتیاز نه تنها آرزوی دول امپری-
 یالیستی در پیروی کشیدن ذخایر
 نفت ایران از زیر زمین وغارت
 علی آن تحقق یافت، بلکه ایران
 از تمام جبهات بزر سلطه سیاسی،
 نظامی، فرهنگی و اقتصادی
 استعمار و امپریالیسم درآمد.
 انقلاب مشروطه ایران اولین
 واکنش در برابر امتیازی بود که
 وجود و ادامه حیات آن برای
 نسلهای بعدی ایران بنام
 کلمه فلاکت و پدیده ای پیمرا
 می آورد. لیکن این انقلاب با
 تمام مجاهدتی که آزادیخواهان
 بعمل آوردند و با اینکه مدت ۵
 سال بطول انجامید و به پیروزی-
 های مهمی نظیر طرد محمد علی
 شاه از سلطنت و کسب قانون
 اساسی و متمم آن نائل آمد، در
 مقابله به شکست گرائید. کار-
 ما، تاریخ سیاه تسلط استعمار و
 امپریالیسم و رژیمهای دست-
 نشانده آن بر ایران و تاریخ
 مبارزات قهرمانانه بی در پی و
 بی امان مردم ایران علیه ایمن
 تسلط را در بر میگیرد. طی
 این مدت طولانی مسئله نفت و
 مبارزات مربوط به آن در همه
 شئون زندگی اقتصادی، سیاسی
 نظامی و فرهنگی در کشور ما
 تأثیر و انعکاس داشته است. از
 اینرو به یک سخن میتوان گفت
 که تاریخ یکصد ساله اخیر ایران
 در واقع تاریخ نفت ایرانست که
 در آن، هم سالهای متوالی و طولانی
 غارت، استعمار، ظلم و اختناق دیده
 میشود هم دورانی کوتاه پیروزی
 ملت بر نیروهای امپریالیستی غارتگر
 امپریالیستی و ارتجاع دست-
 نشانده داخلی آن. مبارزات ملی-
 شدن نفت طی سالهای ۱۳۲۸ تا
 ۱۳۳۲ دوران اخیر را در بر می-
 گیرد.

استعمار و امپریالیسم تلاش
 خود را برای تسلط بر نفت ایران
 از دهه های آخر قرن نوزدهم آغاز
 کردند. ابتدا در قرارداد تحمیلی
 روتی در ۱۸۲۷، امتیاز غارت

مالگرد قانون ملی شدن
 نفت برای مردم ایران حادثه ای
 تاریخی و با اهمیت فراوان است.
 این حادثه نه فقط فراموش شدنی
 نیست، بلکه با گذشت زمان
 اهمیت آن بیش و بیشتر روشن
 میگردد.

تسلط امپریالیسم بر نفت
 ایران و غارت وحشیانه طلای
 سیاه ایران از یکطرف و مبارزه
 مردم ایران علیه این تسلط و
 بخطر حفظ و استفاده از ثروت
 نفت از جانب دیگر، تاریخی
 طولانی دارد.
 مسئله نفت و مبارزه برحول
 محور آن در کشور ما، قبل از
 انقلاب مشروطه و حتی جنبش
 تنباکو آغاز گردید و تا امروز
 قریب یکصد سال از تاریخ کشور
 ما، تاریخ سیاه تسلط استعمار و
 امپریالیسم و رژیمهای دست-
 نشانده آن بر ایران و تاریخ
 مبارزات قهرمانانه بی در پی و
 بی امان مردم ایران علیه ایمن
 تسلط را در بر میگیرد. طی
 این مدت طولانی مسئله نفت و
 مبارزات مربوط به آن در همه
 شئون زندگی اقتصادی، سیاسی
 نظامی و فرهنگی در کشور ما
 تأثیر و انعکاس داشته است. از
 اینرو به یک سخن میتوان گفت
 که تاریخ یکصد ساله اخیر ایران
 در واقع تاریخ نفت ایرانست که
 در آن، هم سالهای متوالی و طولانی
 غارت، استعمار، ظلم و اختناق دیده
 میشود هم دورانی کوتاه پیروزی
 ملت بر نیروهای امپریالیستی غارتگر
 امپریالیستی و ارتجاع دست-
 نشانده داخلی آن. مبارزات ملی-
 شدن نفت طی سالهای ۱۳۲۸ تا
 ۱۳۳۲ دوران اخیر را در بر می-
 گیرد.

دستاورد های انقلاب در یک سال

□ علیرغم توطئه های ضد انقلاب و تلاش بورژوازی لیبرال، انقلاب ما هم اکنون نیز به دستاوردهای بزرگی نائل شده است.

□ آنانکه از «چپ» دستاوردهای انقلاب را مورد حمله قرار میدهند و یا آنها را به هیچ می انگارند، در عمل به بورژوازی لیبرال یاری میورسانند



جناح های خود رسیدند. آنچه در این رابطه قابل توجه است قاطبیت جناح انقلابی برهبری امام در برابر بازماندگان رژیم از سوی وسایط و سازشکاری بورژوازی لیبرال با آنان، از سوی دیگر بود.

سازشکار و اعلام یاران و کارگزاران برجسته رژیم سلطنتی بویژه پس از اعلام القایان نماینده مسیونریسم بین المللی در ایران، موجب پیدایش یک موج تبلیغاتی گسترده علیه انقلاب ایران و قاطبیت انقلابی آن، در کشورهای غربی شد. و سپس سبدهای بازگشت نخست وزیر بورژوازی لیبرال دولت وقت انقلاب اسلامی نیز با آن هم آرا گشت و آنرا «انتفاجوی» نامید و خواستار قطع فعالیت های دادگاه های انقلابی و برودن قرار دادن اعضای ساواک گردید، که این مردم گروشی بورژوازی لیبرال با موفقیت نسبی روبرو گشت، به این معنی که اعضای دادگاه های انقلاب ترمیمی شدند و اعضای جدید این دادگاه ها فاقد قاطبیت باور و پیشین بودند. معذرا همان فعالیت چندماه اول دادگاه های انقلاب در اتمام عدهای از مهمترین کارگزاران رژیم طاغوت سبب شد که پشت شد انقلاب بشکند. خوشبختانه پس از گذار گری دولت بورژوا لیبرال سپس سبدهای بازگشت و سربرد شدن زمام امور کشور و انقلاب بنیست شورای انقلاب، گردش دادگاه ها نیز تغییر کرد.

فرسبیت شناخته شدن نظام شورائی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یعنی ایجاد نظام شورائی در تمام ارگان های اجتهادی کشور و در تمام سطوح از دیستان گرفته تا ارتش، با وجود تمام نارسایی های رژیم از برجسته ترین گام های انقلابی است که میتواند پس بسج شور انقلابی بوده، یعنی زنده نگاه داشتن انرژی انقلاب خلق برای ایجاد جبهی آباد و آزاد و متکی بر فرد فرد جامعه بیانجامد، در صورت اجرای صحیح این اصل تمام اقشار و گروه ها و افراد امکان می یابند که بطور مستقیم در اداره امور کشور سهیم گردند و نقش مهمی، هم در مراحل تمسیمی گیری، هم در مراحل اجرایی ایفا کنند.

درفراندن ها و انتخابات تاریخی

مردم زحمتکش ایران بانجام دو درفراندن (درفراندن جمهوری اسلامی و درفراندن قانون اساسی) و نیز سه انتخابات (انتخابات مجلس خبرگان، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای ملی)، گام های بزرگی به پیش، بسوی خاکسپاری قطعی رژیم منقور سلطنتی برداشتن و با بختنیدن پایه های قانونی جمهوری نوای اسلامی، امکانات ضد انقلاب را برای بازگرداندن روزگار جنایت بار گذشته محدود ساختند.

مردم ایران برای نخستین بار در تاریخ حیات خود، ۵۰ بار آزادانه دربر گزینی رژیم و قانون مورد نظر خود شرکت جستند و علیرغم تمام کاستی ها، به خواست خود صورت تحقق بخشیدند. این امر احتیاج به توضیح ندارد که بر گزینی نهادهای قانونی جمهوری اسلامی ایران، بیچوجه هنوز به مفهوم فرجام یافتن مبارزه در خط مشی متضاد و متخاصم نبوده است و نمی توانست باشد، بلکه حتی این مبارزه در قالیهای نوین شدت و حدت خاصی یافته است. در این میان آنچه اهمیت عظیم به این رویدادهای تاریخی میبخشد، آنستکه توده های مردم کشور با ما شرکت فعال در این امر، امکان ضد انقلاب را که فعالیت مخرب آن بویژه در خلاء بر قانونی و نقب ناشی از انتقال نهادهای کهنه به نهادهای نو، به انقلاب زیان فراوان میرساند،

انقلاب یزرگ ایران، هم اکنون پی آمدهای شگرفی در جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم پدید آورده است. بررسی تالیفات این جنبش عظیم و عمیقاً خلقی دوصحنه جهانی، یگانه ای عمیق و همه جانبه نیاز به زمان دارد. دوجبهه داخلی انقلاب ایران هم اکنون به دستاوردهای بزرگی نائل شده است و هر چند ضد انقلاب و بورژوازی لیبرال که همچنان صاحب قدرت و نفوذ است، باتمام قوا از گسترش آن مناعت بمسمل می آورند، و میکوشند تا این دستاوردها را از میان ببرند، ولی جناح انقلابی مسیون در حکومت، با آنکه به توده های انقلابی مردم، توانسته است تا حدود زیادی بر تلاش های ضد انقلاب و بورژوازی سازشکار فائق آید و انقلاب را در جبهه داخلی و خارجی به پیروزی های بزرگی رهشون شود.

سرانداختن رژیم سلطنتی

مردم بین مالز قرن پیش دریافته اند که نظام سلطنت استبدادی، نظامی استقرات و بازدارنده خلق را سیر در راه ترقی و تکامل اجتهدی. لذا در تلاش بودند تا آنرا از بنیاد برکنند، برکنار نهند و یک رژیم سیاسی شایسته برجایش گذارند. رژیمی که تائین کننده خواست های اجتماعی ترقیخواهانه آید باشد. از اینرو تبارک میدند، با خاسته، انقلاب کردند و سرانجام نظام مشروطه سلطنتی و مجلس قانونگذار بنیست آوردند.

اما هنوز اندک زمانی از حیات این نوزاد تکدشته بود که مردم، بنیست نوزاد محارر است. پس باید چاره ای اندیشید. یا باید نظام تازه را اصلاح کرد و یا با انقلابی دیگر نظامی بهتر بر جای نشانی. پس از این شناخت است که جنبش های اجتماعی، بیم جنگار انقلاب کیلان، قیام خیابانی، قیام خدابوری، قیام گلشن محمد تهری، قیام سیان، قیام لولوشن پابنده، قیام لاهوتی، قیام پدگان سلساس، نهضت آذربایجان و کرستان پدید می آیند و یکی پس از دیگری و هر یک پهل و دلالی با شکست مواجه میگرددند.

از هر شکستی که به نهضت ها وارد می آید، ضمه های نوزاد موج و مملول مشروطه سلطنتی، نیرو مندتر میشود و خورشید جش میگردد و سرانجام، بیولای نظام شاهنشاهی محمدرضا پهلوی تبدیل می گردد.

آنگاه سال ۱۳۵۷ فرامی رسد. مردم بین ما که بارها و بارها برای تحقق بخشیدن به خواست دیرینه خود دورخیز کرده، نفس در سینه گرفته و بر کرده هیولای شکست خورده بودند، در این نبرد ناریاب شکست خورده بودند، اینبار به رهبری قاطع امام خمینی سد را شکستند، هیولای را درهم کوفتند و پیروز شدند.

بر هیچ گفتگو، برانداختن نظام سلطنتی و ایجاد جمهوری اسلامی، بزرگترین دستاورد تاریخی مردم بین ما در تمام اعصار و قرون بوده است. سرنگون شدن نظام سلطنتی نقطه پایانی بر یک بیمدالی چند هزار ساله بود. برخی از ویژگی های این انقلاب در تاریخ جهان نمونه وار است. شاید هیچ انقلابی در جهان، در مدت زمانی چنین کوتاه، اینگونه تمامی اقشار و طبقات خلق را در بر گرفته باشد، و شاید در کمتر انقلابی اینکار انقلابی خلق تا کیک هائی تا این حد شکفت و نوظهور آفریده باشد، و مسلم آنکه در هیچ انقلابی توازن قدرت نظامی نیرو - های انقلاب و ضد انقلاب این چنین ناهماهنگ نبوده است؛ در یک سو دست قبی مردم و در آن سو ارتش نیرومند، مجیز به مدزن ترین سلاحها.

تغییر در دستگاه دولتی و ایجاد نهادهای نوین

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب، ایجاد تحول نسبی در دستگاه دولتی نظام طاغوت بوده، از انحلال مجلسین شورا و سنا، یعنی ارگان های قانونگذار رژیم برانقاده گرفته تا ارتش، پلیس و زندانبری.

و تعیین دقیق مرزهای مشخص مالکیت (عولت، تعاونی، خ) میتواند تحولی بنیادی در نظام اجتهادی میهن ما بوجود آورد. مسویب طرح برانداختن نهایی بقایای فئودالیسم و تقسیم میان دهقانان بی زمین و کمزین در صورت عملی شدن میتواند تحول در دستا های کشور پدیدد هر راه یا سیاست ها و تدابیر ست زمینه کشاورزی و نامداری و آ تاویب های کشاورزی ایران را ا کثونی نیات دهد.

با اینکه در زمینه افزایش دستمزدها زحمتکشان کمدرد آمد، معینی انجام گرفته و ادر مسئله بیبا و اجاری مسکن تدابیری ا شده، ولی افزایش سریع قیمت مملول تورم و احتکار و زیانکاری اصلا نتایج این اقدامات را خند است.

برای پایان دادن به وابستگی ماندگرم اقتصادی و تائین پیشرفت و هه جانبه اقتصاد کشور در هه و تائین رفاه زحمتکشان، باید و سنجیده و برنامه علمی داشت، آن که متاسفانه تاکنون فاقد آن حد حزب توده ایران در تمام این، پیشنادهای مشخصی ارائه کرده و آمادگی خود را برای همکاری د عملی ساختن این پیشنادهای و پیشنهاد و برنامه ای که برای استقلال اقتصادی و رفاه اجتماعی سودمند باشد، اعلام داشته است.

آزادی های دمکراتیک و خلق ها

تائین آزادی های مطبوعات و سازمانها و جمعیتها نیز از جمله های ارزنده انقلاب است، که برای بدست آوردن آن مجبور مبارزه ای سخت و خونین شدند. از برکت انقلاب، احزاب و اتحادیه جمعیت ها، با وجود کارشکنی ها و هائی که از سوی ضد انقلاب و نیروهای انحصار طلب بعمل می آید، آزادی برخوردارند. دهها روزنامه هفته نامه و ماهنامه درکار انبوه کتابها و نشریات گوناگون دیگر با و انتخابات گوناگون در میهن ما، می یابند و همین تنوع انتشارات و

۴- التام قرارداد دو جانبه ایران و آمریکا منتهی در سال ۱۹۵۹، ۵- برچیدن پایگاه های جاسوسی آمریکا از کشور، ۶- اخراج مستشاران آمریکائی، ۷- قطع رابطه با اسرائیل، افریقای جنوبی و مس و ندادن نفت با فریقای جنوبی و اسرائیل، ۸- استقرار روابط سیاسی با لیبی و کوبا، مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، پس از برکناری سپس سبدهای بازگشت، ایجاد وسیعتر و قاطبیت بیشتر بخود گرفت.

اقدامات اقتصادی و اجتماعی

رژیم شاه مخلوع اقتصادی وابسته و آشفته از خود بیبای گذاشت. دولت موقت برای سامان دادن به اقتصاد ورشکسته کشور و نوسازی و تاسمن پیشرفت آن هیچگونه برنامه ای نداشت. بدتر از آن دوتیجه خرابکاری کارشکنی ضد انقلاب و سودجویان و روش سازشکارانه دولت موقت، بر این آشفته گوی نامشامی افزوده شد.

با اینهمه در اثر فشار افکار عمومی و موضعگیری قاطع رهبری انقلاب، اقدامات معینی، ولو با تاخیر و تزلزل و نا کافی، در جهت تصحیف وابستگی اقتصاد به کشورهای امپریالیستی و کوتاه کردن دست بزرگ سرمایه داران وابسته و برخی تدابیر در جهت واگذاری زمین به دهقانان و رفاه زحمتکشان انجام گرفت. کوتاه کردن دست انحصارهای نفتی از منابع نفتی کشور، اتخاذ سیاست مستقل درایرک، اقدام به فروش مستقل نفت و افزایش سپاسی فروش آن از اقدامات مهمی است که پس از انقلاب در جهت تائین استقلال اقتصادی کشور بعمل آمد.

ملی کردن صنایع بزرگ، بانکها و موسسات بیمه، صادره واحدهای تولیدی و موسسات و اموال متعلق به خاندان پهلوی و بزرگترین غارتگران وابسته به دیار و امپریالیسم از اقدامات دیگری بود که پس از انقلاب انجام گرفت. ملی شدن (دولتی شدن) صنایع بزرگ کلیدی، ترابری، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، تولید نیرو، هواپیمائی، کشتیرانی، منابع زیرزمینی، جنگلها، مراغ و غیره که در قانون اساسی مطرح است، یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران است که در صورت اجرای کامل

بشدت محدود ساختند. تحریکات ضد انقلاب در آستانه حریک از رویدادهای هر مذكور بیانگر صحت این حکم و بیانگر زیانناهی است که ضد انقلاب در راه پیشبرد فعالیت مخرب خویش برای خود متصور میدانند. ضد انقلاب در فراندن جمهوری اسلامی، به بهانه ضد دمکراتیک، بریدن زلفانم آنرا مورد حمله قرار داد. در انتخابات مجلس خبرگان، بازم زیر لرای «مدافعه از دمکراسی» خواستار مجلس مرمسان چند صد نفری و در حقیقت تحلیق به محال کردن امر تدوین قانون اساسی شد و در فراندن قانون اساسی، خواستار تحریم زلفانم به جهت دستیاب به قانون اساسی «بیش» بود.

لازم به تذکر است که شیات مخالفاتی برخی از نیروهای مترقی و انقلابی با مواضع ضد انقلاب در این نقطه صلب های تاریخ جامعه ایران، تنها دلیلی بر سیاست اشتباه آئین این نیر ها و نه موضعگیری اشتباه ضد انقلاب، بوده است.

سیاست خارجی

آنچه در سیاست خارجی کشور، پس از انقلاب بزرگ خلق ما رخ داده، نموداری از خط مشی اصولی انقلابی است. بقدمتا باید گفت که درین عرصه نیز دو خط مشی در برابر یکدیگر قرار داشتند: خط مشی سازشکارانه دولت بورژوا لیبرال سپس سبدهای بازگشت، که پیرو سیاست گام بگام، و خواستار اطماع همکاری با غرب و در راس آن با امپریالیسم آمریکا بود، و خط مشی قاطع و ضد امپریالیستی دمکراتیک انقلابی که به خط امام معروف گشت. بر طبق این خط و بنا به توصیف امام: شیطان بزرگ آمریکاست، «تمام گرفتاری های ما از آمریکاست». باید تمام تعصبات ما بطرف این دشمن باشد، علیرغم نیردی که در طی یکسال گذشته بین این دو خط مشی در جریان بود و علیرغم تمام کند کاریها، توجیه ها و بهانه جوئیهای که برای طفره رفتن از اتخاذ یک سیاست قاطع ضد امپریالیستی از سوی دولت بازگشت صورت گرفت، معذرا تفوق خط امام سبب شد که گام های مهمی در این زمینه برداشته شود: ۱- خروج از پیمان تجاوزکار ستو، ۲- پیوستن به جرگه کشورهای غیر متعهد، ۳- لنو قراردادهای خرید اسلحه.

مرگ بامبر بالسم خونخوار آمر

گذشت



مرگ برامپریالیسم آمریکا!

زکویا پرچم آمریکا را سوزاندند، درویشام آنرا در آتش دم انقلابی بارها خاکستر کردند، در آنگولا این مظهر ی و چپاول را در هر خروش خود شعله ور کردند، در... نجبا نیز مقابل لانه جاسوسی آمریکاست، که پرچم ی جانیکنار را به آتش می کشند.

از ششاه، نوبت امپریالیسم آمریکاست. این خواست ست و در مقابل خواست ملت، هیچ نیروئی قادر به ست.

سائل از دیدگاههای گوناگون ، به مردم امکان مقایسه و باوری در نتیجه سبب رشد فکری و آنها میگردد. بدینوسیله است که در ه نیز گاستیها و کسبوه اندک استفاده از شیوه های نادرست کاری ، چنجال گرائی ، تحریف دورشدن از سیر واقعیت و شکرگی و نیز نگریده و بویژه در کار رادیو و نیز هنوز نظامی جدی وجود دارد.

باین امر نیز ضروری است اول نخستین سال انقلاب را بستگان گذشته و گروههای لیبرال و با سوء استفاده از آزادی های یک و باتوسل به میاهو و چنجال نه کردن رخدادهای ناخوار، اما ، و مشوب ساختن ادهان به روند انقلاب زینهای فراوان دند که مستقیما بسود ضدانقلاب

ت مسئول پس از مدتی ماضات، با جلوگیری از انتشار نشریاتی پندگانه و «مهران مسوره» و غیره خدمت ضد انقلاب بودند ، تسا از شدت این ناخوارها کاست، اقدام نیز ، در نتیجه اعمال نفوذ نصبار طلب و عوامل دشمن که سیه بودند ، آزاد گردیدند . بحال از آنجا که اصل آزادی ، و احزاب تأمین گردیده ، حل مشکلات جنبه فرعی دارند و مردم در طول زمان ، سبب صحیح با خواهد گشت .

روزی انقلاب اسلامی ایران که و شرکت وسیع همه خلقهای

دستاوردهای مبنوی انقلاب یکی از بزرگترین دستاوردهای مردم

میرن مازپرکت این انقلاب اثبات هویت خویش است امپریالیسم با برتری قدرت علمی - صنعتی خود خلقها را هم مجذوب میکند و هم مرعوب ، نتیجه تخریبی این مردم حالت ایجاد یک رشته واکنشهای زنجیرهای منفی در بین خلقهای تحت ستم امپریالیسم است .

امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاه میکوشیدند تا خلقهای ما راه خود و به فرهنگ و سنتهای بومی خود بی اعتماد سازند و اراده مقاومت آنها را در برابر فرهنگ منحل و مهاجم غربی در هم شکنند ، آنها را در برابر علم و فن و فرهنگ غرب بهزاد در آورند و سرانجام هویت خلقهای میهن ما را از آنان بگیرند، زیرا که تسلط بزرگ خلق حریت کم کرده، خلقی که دیگر تتراند، از ریشه های فرهنگی خود تهذیب کند و بر آن تکیه زند آسانتر ردیاری است. نتیجه این همپیمانان ما واقعا متعده شده بودند «ایرانی کجا، فرنگی کجا» و با همگم برخورد با گاستیها در نقاشی از روی تاسف سرنگان میدادند و میگفتند: «ای آقا! ایرانی درست بشر نیست! و جنکاسکه مثلا از قهرمانیهای خلق ویتنام در نبرد علیه امپریالیسم آمریکا سخن میرفت، باحسرت میگفتند «ایرانی را با ویتنامی مقایسه نکنید!» و نظائر اینب .

رسیدن باین مرحله خطرناک نشان آستخته روحیه مقاومت و غرور ملی در برابر امپریالیسم در هم شکست شده است. مردم میهن ما در نبردی خونین با امپریالیسم و ارتجاع دست نشانده اش و پیروزی بر آنها ، نشان دادند که «ملیپرشم تازش آنها ، هویت و شخصیت خود را از دست نداده اند . بزرگترین دستاورد مبنوی که مردم ما از این انقلاب به دست آورند، این بود که دریافته امپریالیسم را ارتجاع، با وجود تمام قدرت و جبروت شکست پذیرند .

امپریالیسم و رژیم شاه برای انابه تسلط خویش بر مردم میهن ما میکوشیدند آنها را تابع سیاستهای خود کنند، یا سبت به سیاست شش و لاقفل بر تفاوت سازند. حتی گفته میشد که سیاست کاری است کثیف، مردشرف گرد سیاست نمیکردند.

مردم میهن ما در ملی انقلاب، با شرکت وسیع همگانی خود در این انقلاب، با دادن ۶۰ هزار شهید و صد هزار مجروح و مملول خد بطلان بر تمام این شکردها کشیدند و نشان دادند که «تتا تابع سیاستهای رژیم و امپریالیسم ندهاند، بلکه نه از سیاست تفر دارند و نه نسبت به آن بی تفاوت هستند. آنان ثابت کردند که آن سیاستی که «دشمن را ساحن خلقها از بند ارتجاع و استعمار بشد، پس سیاست انقلابی و کثیفه نیست. آنچه پلیداست سیاست امپریالیسم و ارتجاع است که «دشمن در بند کشیدن خلقها و غارت آنهاست. این نویین دستاورد ارزشمند مبنوی خلق ما بود.

ارتجاع و امپریالیسم به وزارت ها اینها، بشدت به تبلیغات ضد کمونیستی سپهرازند و با گرفتن هرگونه امکان روتشگری و دفاع از بیرون این سبک، باتوسل به و قیانه ترین دروغها، تحریفات و جعلیات، کثیف ترین اتهامات را به کمونیستها وارد میسازند (از اشتراکی بودن رن در بین کمونیستها گرفته، تا انکدر وجود عوامل انسانی و بی اعتبار بودن ارزشهای اخلاقی و بیگانه پرستی در میان آنان) مردم ایران در این انقلاب دیدند که کمونیستها امیل، یاروقادار، ایثارگر و همیشگی آنها هستند. این نیز دستاورد گرانقدری برای مردم میهن ما بود.

یکی دیگر از دستاوردهای ارزشمند و تاریخی انقلاب آن بود که به نیمی از جامعه مایعی زنان مستمکنیده ما که در طول تاریخ همواره سنگ زیرین آسیاه بودند امکان داد تارشد اجتماعی و تمهد عمیق خود را در برابر جامعه به رخشانترین گونه بآیات برسانند و نشان دهند آنجا که پای نافع خلق و دفاع از آن در برابر ارتجاع و امپریالیسم بیان آید، دریکنار و ایثار نه تنها از مردان عقب نیستند بلکه در بسیاری از موارد از آنها پیشی میگیرند. آنچه تاسف انگیز است اینست که این زنان دلیر و از خود گذشته علیرغم فداکاریها و مبارزاتشان از حقوقی که شایسته آن هستند برخوردار نشدند و امید است که این انقلاب دادگستر، حقوق اجتماعی زنان را نیز به بهترین وجه تأمین کند.

یکی دیگر از دستاوردهای مبنوی انقلاب ایجاد شرائط مساعدی برای ریشه کن ساختن روحیات منحل فرهنگ

عید بی شاهتان مبارک!

آرزومند و رزمه خواه آمد خلق ایران به جشن نوروزی بهره ما نبود جز بیسناد نام خسود را نهاده شاهنشاه سوی مردم نگاه پر تحقیر همه از ناکسان و بسدکاران عمه و صم و خاله و خالو گلمزمین خوار و که جواهر خوار کرده خسود را عزیز در دانه خویش را خوانده لیاک عین نبوغ رسم منحوس چاپلوسی را که چوسک رانده شد از آن اشرف روسپی شد به نزد قوادش که دل مردمان بیازارد» آه از این عصر شوم پر خفت کشتاری بر آورد پرسرار خلق را داس غم درو نکند خلق یابد طریق نوسازی فسال فرخنده است بر ایران جلوه ای تازه یافت میهن ما عید بی شاهتان مبارک باد . ا. ط.

عید دیگر بدون شاه آمد نغمه خواند کنون ز پیروزی دیو گاهسی ز دیو استبداد مردکی ابله و شرور و نمابه مسی فرستاد از فراز سرسز زاد و رودش چو کله ماران خون خلقی مکیده چون زالو حرص و آزی برون ز حد و شمار نوسوگر خسود فروش بیتانسه مظهر جهل و ابتذال و دروغ کرده ترویج پستی پستی را کشوری را فروزده گشت شرف چونکه بی مایه گشت استادش «سگ بر آن آدمی شرف ندارد رشوه و زور و شهوت و نخوت: کاش این انقلاب پراشار ستم کهنه چهره نو نکند بعد یک قرن رنج و جانبازی اینک شد کاخ سلطنت ویران سرطانی برون شد از تن ما باری ای خلق پر شهامت ران



راه پیمائی پر شکوه مردم میهن مان بر ضد خبرگزارها و مطبوعات امپریالیستی و صهیونیستی که در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۵۸ با نظم انقلابی چشمگیر و بی نظیری برگزار شد

امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا از میهن خود و با تکیه بر نفوذ و احترام خلقهای جهان، بحق مواراز باشند. هر چند که دستاوردهای انقلاب در طول یکسال میتوانست بیشتر و قاطعتر از اینها باشد. اما با در نظر گرفتن ویژگیهای میهن ما و مشکلات ناشی از این ویژگیها و نیز باتوجه به آنچه به دست آمده . میتوانیم و باید سرافراز باشیم. شاید بهترین پاسخ برای آنها که دوستانه یا پلطنه از کاستیهای گوناگون در روند انقلاب شکوه میکنند و آنها را برش میکنند، این شعر برتولت برشت تمام انقلابی آلمانی باشد که پاسخ است همیشگی به تمام «فقنوه های حرفه ای، که پس از هر انقلاب، در هر جای جهان و تحت هر شرایطی و بیا هر کیفیت که باشد، ظهور میکنند و هر یک باینیت خاصی برای انقلاب «دل بیوزانته

... خانه با آن مصالحی ساخته شد که در دسترس بود،

تابلو بارتکنائی نقش شده در اختیار بود، سخن با آنها گفته شد که برای شنیدن آمده، انقلاب با آنها شد که میدان آمدند، دستاوردی نژوتی، بازم میسوزد، میتوان افسوس خورد، اما به سود

انقلابی همین قدر «مرفه» نیز به رژیم شاه پشت کرد و بسفوف مردم بیوست. مردم میهن ما در روزهای انقلاب نشان دادند که به عالیترین مدارج ایثار و همبستگی، به بالاترین مراتب اخلاقی و به رنج ترین قله های افسانه وار انسانیت، که همگان از داستانهای باخبرند، دست یخته اند. این تجربه گرانقدر تاریخی نیز از دستاوردهای بزرگ انقلاب است.

شرکت وسیع و میلیونی مردم در امر انقلاب که نقطه اوج فعالیتهای سیاسی خلق است و بدانحال آن رسوخ اندیشه ها و بحثهای سیاسی. دهر مدرسه، کارگاه، اداره، دهمروخانه و حتی دورافتاده ترین روستاهای کشور، متشکل شدن میلیونها نفر از جوانان و سالنندان، زنان و مردان در سازمانهای سیاسی، شوراه، انجمنها، گر، هها، سیاهبا و شرکت گسترده توده ها در بحثها و مسائل سیاسی، فعالیت وسیع و شدید آنان در امر نوسازی و عمران کشور، جنبه های دیگری، زده تار و دهای انقلاب بزرگ خلق ماست.

خلقهای قهرمان ایران، «روز میتوانند با آنکه بردستاوردهای بزرگ و تاریخی انقلاب خود، یعنی درهم کوبیدن پساک چند هزار ساله سلطنت و بیرون افکندن

استعماری سرمایه داری نظیر زیاده طلبی، تجمل پرستی، ریخت و پاشی و در یک کلام روی گردانیدن از مظاهر جامعه مرفعی است. باید این گرایش را که همراه انقلاب به جامعه مارا یافته قاطعانه تقویت کرد و گسترش داد.

رژیم محمدرضای مخلوع بنابه توصیه کارشناسان آمریکائی میکوشید تا یک فقر مرفه مصرف کننده در جامعه ایجاد کند؛ که در عین حال پایگاه اجتماعی آنها را تشکیل دهد. بدینوسیله است که شرایط تأمین این «هدف» به دست آوردن پول فراوان از هر راه و بهر شیوه ای بود. رژیم باتوسل به تمام حیلله های تبلیغاتی و روانشناسی میکوشید تا عشق به مصرف و در نتیجه حرص گردآوری پور رادر بین مردم توسعه دهد و در عین حال، سالوسانه از انحطاط اخلاقی و برافتنان ارزش های مبنوی در جامعه که نتیجه قنومند نظام سرمایه داری و سیاست خود او بود، دم جزد و آنرا نکوهش میورد. در حالیکه بقول مارکس: «اخلاق حاکم برجایه، اخلاق هیئت حاکمه است.» و این رژیم شاه بود که ناشر و راهگشای فساد و انحطاط و تباهی در جامعه بود.

شکفت آنکه، همراه با گسترش سازه

کا، دشمن، اصله، خلق های جهان

عید به کوه ما نیز آمد...

چوندهای که این روزها باستانی تاریخی مانند «التضییع فی ضاعته التنجیم» ویا «آثارالباقیه من القرون الخالیه» از ابوریحان بیرونی یا «المعاصر والاضداد» جاحظ و نظایر این نوع آثار، مطلب یافتن واقعیتی درباره جشن نوروز، مراجعه میکند، نخست از این امر که اینهمه خاطره بزرگترین جشن بهاری را سلطنت مستبد طغی قرنها و قرنها آلوده است، دلآشسته میشود.

«فرهنگ» شوم شاهنشاهی همهجا میروشان بردساز خود را گذاشته و همهجا سخن از جامهای زرین زبرجد نشان ویا گوزههای سیمین یاقوت آکین در میان است که بندگان شاهنشاه به عنوان هدیه نوروز تقدیم میکردند. حجاج بن یوسف ثقفی، حاکم خونخوار عرب، که نه به اسلام اوردتی داشت و نه به پارس شفقتی، مراسم نوروز واپس از مدتی تعطیل برای آن برپا داشت که به پیمان «عیدانه» تاد میلیون درهم خراج خاص نوروز از ایرانیان بستاند! خلفای عباسی شاعران رایه نای «نیمروز و سمر جان» وامی داشتند. زیرا این فرصتی بود که به سبک شاهنشاهان ساسانی، به پیمان هدیه عید، مردم را سر و کوبه کنند.

اینک رژیم جمهوری اسلامی تعطیلات نوروز را تا هفت روز تعیین کرده، نمی دانیم آیا باتوجه به این نکته است که در واقع پیش از اسلام نوروز «عامه» پنج روز بود و ۲۵ روز دیگر «نوروز خاصه» نام داشت، که به عیش و عشرت شاه و خانواده اش اختصاص می یافت یانه. بپرجهت مردم آنرا تا «سیزده بدر» ادامه میدهند.

مشاء عید نوروز را آغاز گرمگاه (یا انقلاب صیفی) میدانند. چنانکه مشاء عید سمرگان را آغاز سرما (یسا) انقلاب شتوی) می شمردند. از جهت تقویم تاریخی خوب روشن نیست که ازکی نوروز با اولین روز فروردین ویا با اصطلاح «تعداد ربیعی» (یکسانی شب و روز) منطبق شد.

برخی آنرا به تنظیم تقویم جلالی در دوران سلجوقی مربوط میکنند، ولی دلایل فراوانی در دست است که نوروز از همان عهد ساسانیان، در آغاز سال بود و در شاهنامه فردوسی بنیاد این جشن به جمشید نسبت داده شده است. بی شائبه گمان می توان گفت که نوروز و سمرگان و برخی از دیگر جشن های مابا کشاورزی و دامداری ارتباط دارد، یعنی دارای منشأ خلقی و بنیاد طبیعی است، لذا جشنهای واقعی است و عیب نیست که هزاران سال سنت آن دوام آورده است و بجا است که نظام جمهوری اسلامی نیز آنرا محترم دارد، چنانکه بهمین ترتیب نیز رفتار کرده است. سال گذشته نخستین نوروز بدون شاه در تاریخ هزاران ساله میهن ما بود. انقلاب این درخت زقوم شوم و جنمی استبداد سلطنتی را از سر زمین ما برکنار و میدوانقی را بکوچه سا آورد. شاید نسل معاصر حس نکند که در کشورش چه وزیداد سدی واقع شد. استبداد شرقی، که شاهنشاه و قفقوز و خاتان و فرعون و خلیفه و سلطان آفریده، سیاسی، که از عرصه جهان نابود شد و لوت وجود آخرین نمونه و پست ترین نمونه اش، که استبداد پهلوی بر مردم بود، از خاک پاک وطن مازدوده شده است. سپاس بر مردم، سپاس بر انقلاب، سپاس بر امام خمینی!

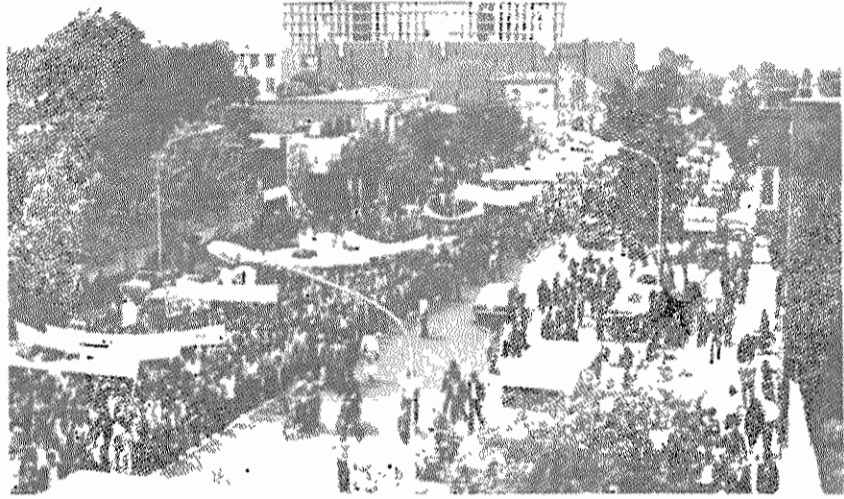
این نوروز دومی است که بر شاه برپا میشود. جشن به صاحبانش بازگشت، یعنی به کشاورزان و دامداران و همه زحمتکشان، که خواهران و برادران طبیعت و یاران و دوستداران آنند. جشن بر صاحبان اصلش خجسته باشد! امید است بر فرخ این عید واقعی، که به گوی مستضعفان آمده، دمدم افزوده شود، تا آنجا که نوروز ما به فر و فرهنگ انسان و جهان بسند دست یابد. نویسندگان «نامه مردم» این جشن باستانی را در جامه نوین خلقی آن به همه مردم عزیز ایران سیمانه شادباش می گویند.

این سال نو،
ای هم مین،
از آن نوست.
آفریده نوست.
پیش از آنکه زائیده زمان باشد
و تو، در این سال نو،
بهترین را برگزین، از زندگی
و آنرا به نبرد هدیه کن

پیام سال نو...

پابلو فرودا
شاعر انقلابی شیلی

پرولتاریای جهان متحد شوید!



روز اول ماه مه، جشن اتحاد پرولتاریای جهان علیه ستمگران و استعمارگران، پس از ۲۵ سال، در کشور انقلابی ما برپا گردید و میلیونها زحمتکش بارزه خویش در خیابانها، عزم خود را به پشتیبانی بیدریغ از انقلاب و تثبیت و تحکیم دستاوردهای آن اعلام داشتند. طبقه کارگر، بزرگترین دشمن رژیم وابسته پهلوی و طبقه ای که با دلاوری و پایداری حیوان انگیز خود در سرنگونی این رژیم بیلید، سنده ترین نقی را ایفا کرد، در بهار آزادی، پس از یک ربع قرن، جشن همگانی خود را برپا کرد. درود بر طبقه کارگر قهرمان رزمنده ایران!

برای اطلاع و قضاوت اعضا، هواداران و دوستان حزب

سرود پنجم حزب توده ایران



سپاهیان نور نگر تو بر ایران
ز پر تو امید زمان شده تابان
که انقلاب خلق چو تندری غران
شرار رستاخیز
به بستر جوانها
کنون کند گلریز
خیزد ای توده
جنبید اینک ز جا
اکنون خصم وطن
افسون داند روا
بدخواه انقلاب
جوید خواری ما
ضد هر دشمنی
ضد هر جنبی ز جا
ای خلق بیدار
در رزم هشیار
پرپا ای توده کار
ره یو با چشم بیدار
پا دار در رزم دشوار
عقلت روشن دلت جسور
از این وادی نما عبور
توده باید ره گشای سوی روزی نو
راه نو را چون ارانی او شود پیرو
بی هراس از بیم دشمن همزه خسرو
مکردشمن ارزشش دان کمتر از یکجو
توده باید رفته رفته باز
روزگاری نو کند آغاز
سوی چرخ نو کند پرواز

سالگشت ملی شدن صنعت نفت...

رزم موفقیت و پیروزی حول محور دفاع سرسختانه از این جنبش و چابداری از مبارزه قاطع علیه مواضع همه دول امپریالیستی و پانکاهی ارتجاع داخلی درده و شسر و طرد عوامل سازشکار دور میزد. اکنون نیز در جریان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، رزم پیروزی و موفقیت کامل این انقلاب حول محور مبارزه قاطع علیه امپریالیسم، پیروزه امپریالیسم آمریکا، تا طرد کامل هر نوع وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی نظامی به آن، محسوس مایه داری وابسته و بزبرگ، مالکی در کلیه زمینه ها در شسر و دره، منزی ساختن لیرالها و سازشکاران، تحقق هدفهای خلقی انقلاب، یعنی استقرار حاکمیت جنبه متحد خلق، که در آن نقش اساسی را توده های رحتکش ایفاء میکنند، دور میزند.

بقیه از صفحه ۵
جبران ناپذیر از کجا بر یکسر ایران ستمدیده و جامعه رنج دیده آن وارد آمد؟ پاسخ این سؤال ایست که: همه این صدمات و لطامت از تسلط امپریالیسم آمریکا و انگلیس و انحصارات بین المللی نفت پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر کشور ما نازل شد. هته مرکزی ایمن- صدمات و لطامت را ولع امپریالیسم آمریکا و انگلیس و انحصارات غارتگر آن به غارت ذخایر نفت ایران و تسلط استراتژیکی بر وطن ما، به مثابه پایگاه تجاوز علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای رهایی بخش ملی تشکیل میداد. بنا به اقتضای طبیعت غارتگرانه و تجاوزکارانه انحصارات غارتگر امپریالیستی و در درجه اول کارتل بین المللی نفت بود که کمرها در معرض شدیدترین غارت و استثمار و استعماری قرار گرفت. میلیاردها تن ذخایر نفتی آن به یغما رفت، اقتصاد ملی آن بورشکستگی سوق داده شد و سرمایه داری وابسته مونتاژی بعنوان اهرم مطمئن ادامه استثمار و استثمار مردم ایران بود امپریالیسم و رژیم دست نشانده پلیسی بشکل سازمان یافته و فرقه و فرقه راهی و راه رادیشی گریز و بر سر تفاوتهای عقیدتی وایدئولوژیکی و مکتبی به خصوصی که تنها بود ضد انقلاب و امپریالیسم است، بپردازیم. اینها در سبائی است که از شکست جنبش ملی شدن نفت از سی سال قبل برای ما بیادگار مانده است. باید با تمام قوا از آنها پند بگیریم و در جریان کنونی مبارزات عظیم خود علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خارجی حاصل از آن را بکبار گذشت زمان در حستة نمانان عمل بپوشاند.

ضامن مطمئن نیل باهداف، ایجاد جنبه متحد خلق مرکب از کلیه نیروهای دگرگتیک و ملی، صرف نظر از تفاوتهای عقیدتی و مکتبی وایدئولوژیکی است، که با برخورداری از رهبری قاطعانه امام خمینی و پیروی از خط او میتواند به آرزوهای دیرین مردم ایران در بر خورداری از استقلال و آزادی، بنحله استفاده مستقل از نفت ایران، بنام تامین سعادت ملت کرمک به صلح جهانی، آرزوی ملی درسی سالی پیش در قانون ملی شدن نفت انعکاس یافته، جامه عمل بپوشاند.

چهارشنبه سوری و سیزده بدر

روایات متعدد ایرانی و اسلامی درباره علت پراورختن آتش در شب چهارشنبه سوری وجود دارد که نمی‌توان آنها را روایات تاریخی و مستندی دانست. آنچه مسلم است آنست که رسم پراورختن آتش در «چهارشنبه سوری» قاعدتا باید از دورانهای باستانی بیادگار مانده باشد.

واژه «سوری» از ریشه «سور» مشتق شده، که به معنای «سرخ» است. چهارشنبه را از آنرو «سوری» نامیده‌اند، که در آنروز آتش سرخ افروخته میشود.

در چهارشنبه سوری، در ایام گذشته، گاه هفت کپه آتش می‌افروختند، که نمایانگر شمار هفت امشاسپند، یعنی بی‌مرگان مقدس (اهورمزدا)، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسپندارمده، خرداد و مرداد) بود. شش امشاسپند، که به بدنیال اهورمزدا آمده‌اند، نخستین آفریده‌های وی هستند. آنان در اصل، صفات اهورمزده بوده، که هر یک بصورت مظهری درآمده‌اند. و گاه سه کپه آتش

می‌افروختند (به نشانه منشنیک، گفتار نیک و کردار نیک) این سه رکن از ارکان مهم دین زرتشت محسوب میشود و گاه نیز یک کپه آتش- نسودار و حلت اهورمزدا و فرشتگان وی در مقابل اهریمن زمان، در برگزاری جشنهای سالیان دور گذشته، انگیزه های خلقی و گناه انقلابی چشم می‌خورد. چنانکه جشن مهرگان بنسابت پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک و یا جشن تیرگان بیاد قهرمانی آرش کمانگیر و پیروزی ایران بر توران زمین بوده است.

یکی از آیین‌های دیرین برجای مانده ما، مراسم آتش افروزی است. واژه «آتش» از ریشه سانسکریت آمده است یعنی خورنده قربانی. ایرانیان آتش مقدس را از نظر مقام، فرزند اهورامزدا دانستند. و پیش از فرارسیدن جشنهای مذهبی، به آتشکده‌ها رو آورده، به نیایش می‌پرداختند. دوران ماقبل زرتشت، هنگام برگزاری آیین نیایش، حیوانات اهلی را به تعداد فراوان در کنار آتش قربانی می-

فعالیت‌های ضد انقلاب و کارشکنی‌های بورژوازی لیبرال...

بقیه از صفحه ۴

نقشی جز «اسب‌تروای» امپریالیسم و راجشکای موفقیت‌توطئه‌های امپریالیسم را بازی نمی‌کند و در واقع نمی‌تواند بازی نکند.

بر اساس اسناد افشا شده توسط دانشجویان پیرو خط امام، عمسال امپریالیسم آمریکا را که علیه انقلاب ایران فعالیت میکنند و نیز نیروهای آن که متعلق بر سیاست‌های امپریالیسم اندیشه و عمل میکنند، می‌توان به چند گروه مشخص تقسیم کرد:

۱- سرمایه‌داران وابسته. این قشر از سرمایه‌داری که ضافع او در پیوند، مستقیم یا منافع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا قرار دارد و پیروزی انقلاب بزرگترین ضربه را بر پیکر آن وارد ساخته، مستقیماً در موفقیت تحریرات و توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب، ذینفع بوده و با تمام قوا در اینجهت به امپریالیسم یاری رسانده است. افرادی از این قشر که از لحاظ سیاسی فعال بوده‌اند، مستقیماً با «سفارت آمریکا» رابطه داشته‌اند. از روغنی و لاجوردی و دیگران مثال می‌توان نام برد.

۲- بورژوازی لیبرال. این قشر از سرمایه‌داری، که همراه انقلاب آمده، خواستار حفظ نظام سرمایه‌داری و همکاری با امپریالیسم آمریکاست. برخی نمایندگان آن مستقیماً با جاسوسان آمریکایی ارتباط داشته‌اند و اطلاعات خود را به سفارت آمریکا میداده‌اند. اینها مدت دهها سال با کمک آمریکا در صحنه سیاسی «زنده» نگاه داشته شده بودند تا از منافع امپریالیسم پاسداری کنند. بر طبق اسناد افشاشده، آنها نیز از این گروه که مستقیماً با سفارت‌تاس داشته‌اند، بواسطه مطابقت شی سیاسی آنها با اهداف امپریالیسم آمریکا، از طریق غیر مستقیم برای فعالیت آنها برنامه ریزی و سازماندهی می‌شده است.

۳- گروه‌های وابسته در ارتش. به گفته دانشجویان، امپریالیسم آمریکا از طریق مستشاران خود که در ارتش فعالیت میکردند و تعداد آنها پس از انقلاب به ۴۰۰ نفر تقلیل یافته بود، اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری میکردند. دانشجویان گفتند که امپریالیسم آمریکا برای جبران کاستی تعداد مستشاران خود در ارتش، جاسوسانی با کیفیت بالاتر، خیره‌تر و با سابقه بیشتر به ایران اعزام میداشته است، چنانکه برخی از آنها که جزو گروه‌های وابسته سابق فعالیت‌های زیادی در ارتش، پیش، جرج‌مال، سنخسکو انحصارات طبیعی است که جاسوسان امپریالیسم آمریکا در ارتش از قبایض ضد اطلاعات و یا سازمان جاسوسی پیشین امپریالیسم بهره زیادی می‌برند. برکناری عدم‌زیادی از افسران ارتش، بویژه در نیروی هوایی در ماه‌های اخیر، دستگیری فرمانده نیروی دریایی و دستگیری‌های دیگر از افسران، بیانگر فعالیت‌های دامنه‌دار و توطئه‌گرانه جاسوسان امپریالیسم آمریکا در ارتش ایران است. سرهنگ توکل‌ی نیز در سخنان خود در یکسال قبل گفته بود: «ما همیشه به دوره پس از انقلاب اندیشیده‌ایم که به ارتش، ارتش قوی و قابل اعتماد نام خواهیم داشت».

۴- جاسوسان سیا. دانشجویان گفتند که امپریالیسم آمریکا با اعزام شبکه‌هایی از جاسوسان دوره‌دیده و کارآزموده «سیا» زیر پوشش‌های گوناگون و با اسناد هویت

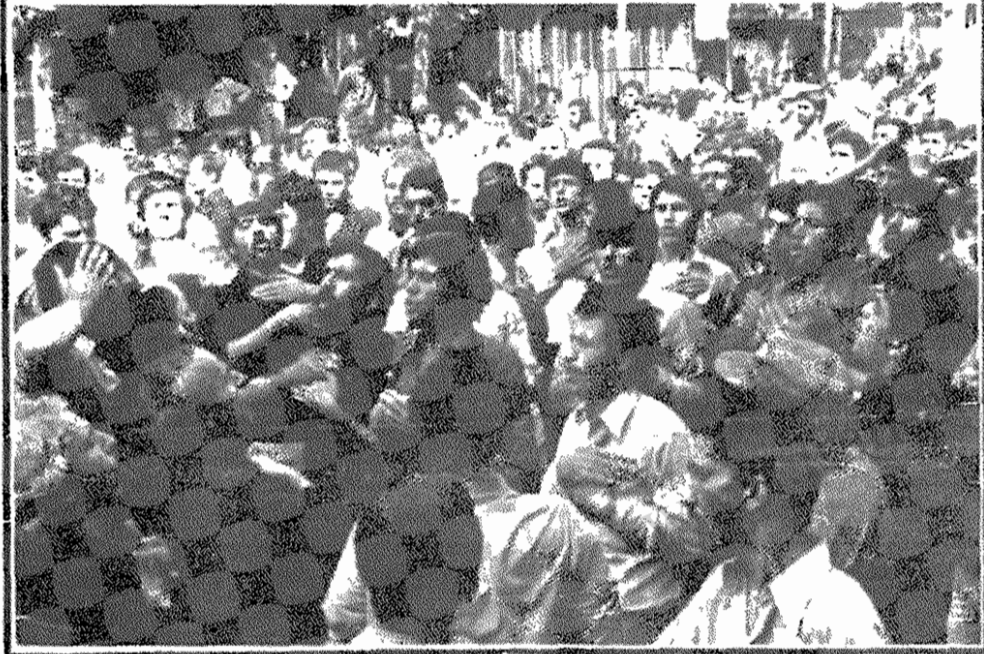
سوک بزرگ

درگذشت ناگهانی پدر «طالقانی»، مبارز نستوه، مردم را به شدت تکان داد و آنسوا را، همه آنها را به سخیا پانها کشاند و به گفته امام، «انفجاری بزرگ» پدید آورد.

مردم در اینروز، در خیابانها، از مصیبت قلب گریستند و با ایمان راسخ یا راه او و یاد او پیمان بستند.

پدر طالقانی، که مظهر بزرگی از روح و میسارزه مردم ما علیه رژیم ناست نشانه پهلوی بوده، از جلسه پرستاره‌ترین بیانگران اسلام انقلابی و اسلام مستضعفین بود.

یادش گرامی باد!



برای انجام وظایف هرروزه خویش به‌داسرا آمده، متوجه شدند که بدلیل غیرمنطقی و بیجهت آنها را برکنار کرده‌اند. آنها در تیرماه، در حضور امام گفتند: «یا توچه باینکه ما حقوقدان بودیم، بدلیل مهم داسرای انقلاب را تصفیه کردند... ما آمده‌ایم اعلام کنیم جلوی عمل صحیح تنها ارگان انقلابی انقلاب را گرفتند... ما آمده‌ایم که بگوئیم که هنوز ضد انقلاب زنده‌است و فعالیت‌های کارمندی... ما آمده‌ایم بگوئیم عناصر فعال و مبره‌های اصلی رژیم را بدون محاکمه آزاد می‌کنند».

یکی از بازپرسان برکنار شده، در نامه‌ای که در ۶۶ تیرماه در اطلاعات منتشر شد، نوشت: «بعد از کنشستن کار دادگاه‌های انقلاب عوامل مخرب سیا و ساواک جان تازه‌ای گرفتند و دوباره به تهران آمدند و حالا در تهران عمل می‌کنند».

بازپرس انقلاب همچنین بر اساس تظاری خود نوشت: «تجربه ثابت کرد که همین افراد آزاد شده (ساواکیها) دست از توطئه علیه انقلاب برنداشتند و مرتباً در فکر ضربه زدن به انقلاب می‌باشند... کارساواکیها، بهره‌گیری از اختلافات گروهی، تفالک افکنی در صفوف متشکل مبارزان و حضور مخالف در هر اجتماع و میتینگ است... آنها در شهرستانها، اختلافات را دامن می‌زنند، مسائل قومی و قبیله‌ای را مطرح می‌سازند».

دولت موقت سبندس بازرگان، که جاسوس سیا، امیر انتظام، بیان‌کننده نظریات آن بود و مقدم مراغه‌ای‌عامل دیگر سیا، استنادار آن و وابستگان کوچک و بزرگ رژیم سابق اهرم‌های مهمی را در آن بدست داشتند، وظیفه خود را چنین معرفی میکرد: «برگزاری و فراندن جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس موسسان، فراندن قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان. همین! بورژوازی لیبرال با تمام قوا میکوشید تا آنزمان همه چیز را به سیاق رژیم سلطنتی (بدون سلطنت) باقی گذارد و شاید امید داشت تا آنموقع نیز شور و احساسات انقلابی، انقلاب را چنین تعریف میکرد (فروشنید و خواست تغییر وضع موجود از میان برد. بهین جهت هم بورژوازی لیبرال در بی هر اقدام و فرمان «سنجیده» امام خمینی و خواست «بیرسرا» توده‌های انقلابی به ختم می‌آمد و کلافه میشد و آنچنان که بشوراست، استعفا درجیب راهی نم میگردد».

امپریالیسم آمریکا از چنین موضعی در دولت موقت با تمام قوا پشتیبانی می‌کرد و از آن بعدا کتر استفاده می‌نمود. این امپریالیسم حتی برای سامنت از گسستن پیوندها مابین رهبری انقلاب و دولت موقت، عناصری را نیز چون روغنی برای ایجاد و حفظ روابط مابین ایندو نیروی سیاسی، گمارده بود و از قطع پیوند و تیرگی روابط امام خمینی با دولت بازرگان بشدت وحشت داشت. کوشش دولت موقت برای استفاده از عمل رژیم پیشین در ارگانهای کشوری و لشکری، کوشش برای جایگزین امام خمینی یافتند که به تشانه کینه بدید، در صفحه ۱۰

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

فعالیت‌های بورژوازی لیبرال و کارشکنی‌های بورژوازی لیبرال...

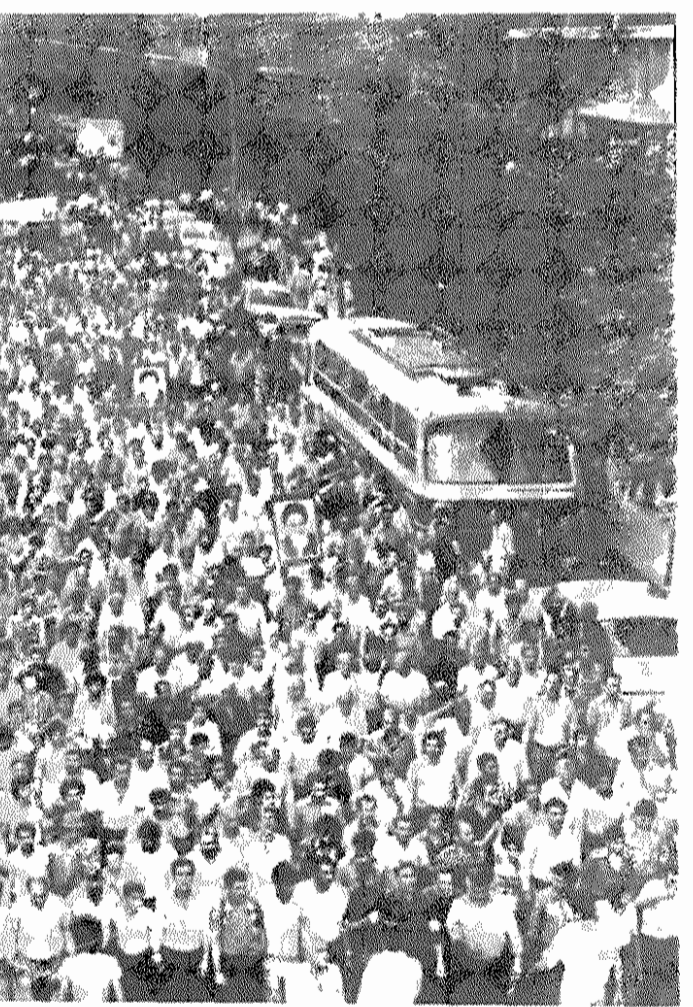
بقیه از صفحه ۹

دیوانه‌وار آنها نسبت به رهبر انقلاب ، با «دارت» سوراخ سوراخ شده بودند . کوشش امپریالیسم آمریکا برای تضعیف رهبر انقلاب به اشکال مختلف صورت می‌پذیرفت . از ترورشخصیت‌های انقلابی نزدیک به رهبر انقلاب تا ایجاد ناراضی در میان مردم ، کوشش برای برانگیختن ساختن انقلابیون (بقول توکلی «محرکین») وزیر شرعی قراردادن آنها، تفرقه افکنی و پراکندن تخم بدبینی در میان خلقها و بالاخره تحریک جنک برادرکشی . عمل امپریالیسم آمریکا از یکسو با پنهان کردن چهره خویش زیر پوشش «انقلاب» و مبارزه برای کسب حقوق حقه خلقها و نیز «آزادیخواهی» علیه انقلاب و رهبر انقلاب به‌تحریکات دست زده بدبینی ایجاد میکردند و از سوی دیگر نیز با تحریکات متقابل، این بدبینی را موج جلوه میدادند و تشدید میکردند . اکنون دیگر آشکار شده است که فعالیت‌های گروهکهای چه نما و «آزادی» طلبی چون «خلق مسلمان» و «کومله» و گروهکهای مائوئیستی ، از چه منشا ناشی میگشته است . وجود عده کثیری عوامل ساواک و سیا و سرمایه‌داران بزرگ در «خلق مسلمان» و حمایت حکومت وابسته عراق از کومله و تسلیم آن و امتناهم ، نقش مخرب امپریالیسم آمریکا را در این توطئه ها آشکار ساخته است .

دانشجویان مسلمان بیرو خط امام در جلسه روز ۷ دیماه در آمفی‌تئاتر دانشکده پلی‌تکنیک ، سندی را قرائت کردند که در آن گفته میشد :

«اویسی با سفارت آمریکا در فرانسه تماس گرفته و درباره تجویز عده‌ای از گروهها توسط پلزیان با سفارت گتنگو کرده است».

امپریالیسم آمریکا به جنک برادرکشی در کردستان امید بسیار بسته بود و از ماهها قبل برای ایجاد آن تدارک میدید . تحریکات ضد انقلابی در گنبد، سنج و مرس در نهد و تلاش برای متسر وانمود کردن کمونیستها (محرکین) همراه با روشهای نادرست گروههای چپ‌پرو ، بدبینی شدید را باعث شده بود که به‌شدت دامن زده میشد . برخی مقامات مسئول دولتی نیز بجای تصمیم، این برداشتها را در رهبری انقلاب تقویت میکردند . آقای چمران در ۱۹ تیر ماه گفت : «روسیه شوروی اکنون احساس میکند که نظام اسلامی ایران نمی‌خواهد به او یاج بدهد. جاسوسان روسی وارد مازندران و آذربایجان می‌آوردند . توسط کشتی اسلحه به بحر خزر می -



راهپیمانی وحدت علیه امپریالیسم آمریکا، تظاهرات خشم علیه جلا ده‌ها هزار نفر از مردم زحمتکش ما، رژیم ملیه شیطان بزرگ و ام‌الفساد قرن، قدرتی که ملت ما را به محاصره اقتصادی و تجاوز نظامی تهدید میکنند، راهپیمانی نفرت علیه سرکرده غارتگران و جنایتکاران، علیه سرکرده امپریالیست‌ها، امپریالیسم آمریکا! سال گذشته، سال تسدوم رژه خشم و نفرت علیه دشمن اصلی خلقهای جهان و توطئه گر اصلی علیه انقلاب بزرگ ایران، امپریالیسم آمریکا بود. در این سال خیابانها و کوچه‌ها همچون دوران انقلاب از رژه خشم و کین آکنده بود. در آن روزهای مرگ و خون، شعار : «مرگ پرشاه بود، ولی در سال گذشته، خواست همگان این بود: مرگ پر آمریکا! مرگ پر سازشکار!

نوروز آزاد

چو گل بروی یکدیگر بخندیم رسید از ره عروس عید و آسود گرامی، مقدم او را شماریم که افشاند شمار از چهره خویش بسامیدی نشانیم آه سردش که از گورشیدان بازگشته است ولیکن ترک آزادی نگفته که باشد مرگ، خوشتر از اسارت

در و دیوار شهر آذین ببندیم زمان ، دروازه تاریخ بکشود بیا بیا یکدیگر همت گماریم گذاریمش یکی آینه در پیش بدست مهرگیریم اشک در دوش به ماتم حسرتش از حد گذشته است شهیدانی بخون و خالک خفته همه بسپرده جان باین اشارت:

رفیقان! چه خوش کز جای خیزیم کنیم از کشتگان راه حق یاد بدیدار شهیدان رفت باید در آنجا لاله‌ها چون داغداران بگسور هر شهیدی ، چشم لاله اگر چشم عروس عید ترگشت زبس این لاله‌ها خونین عذارند

رفیقان! بگسورستان شتابیم که این جانداگان در انتظارند بگاه جشن ، پاس کشته داریم سزگ سر بر مزار پاکبازان بسوگند آن عزیزانرا بگوئیم که راهی جز ره آنان نبویم

بگسور راد مردان گل بویزم که باز آمد دوم نوروز آزاد جز این دیدار ، دیداری نشاید شوند آزاده از باد بهاران فشانند صبحدم گلگون زاله زاشک لاله خونین جگر گشت درفش کاوه را در خاطر آرند

ز دیدار شهیدان رخ نتابیم بهسر دوستان امیدوارند که بنیان دگر آیین گداریم روان گردیم ، ما آینده سازان بسوگند آن عزیزانرا بگوئیم که راهی جز ره آنان نبویم

موج اسفند ۵۸

موج اسفند ۵۸

تلاش این بود که ، این فاجعه و تحریکاتی که بدست عمال امپریالیسم آمریکا ، از ابتدای انقلاب کشور را فراگرفته ، ناشی از سیاستهای رهبر انقلاب ، وانمود شود ، تا غریبه‌ای جدی بر اعتبار رهبر انقلاب در نزد مردم وارد گردد. مقدم مراغه‌ای در یادداشت‌های خود می‌نویسد که در ملاقات با «توم»، جاسوس مسیاه، «توم» گفته است : «نظر دیگران اینست که موفقیت خمینی روز به روز ضعیف تر میشود» ، «فرب» به توفیق خمینی دیگر آمیدی ندارد، و عدم موفقیت سیاسی و بحران اقتصادی ، ممکن است موجبات تغییر آینده بشود.

او همچنین یکماه قبل از پایان کار مجلس خبرگان ، در ملاقاتی با پرشت ، جاسوس دیگر «سیاه» میگوید :

«خیلی‌ها از شریعتمداری بخاطر عدم رهبری انتقاد میکنند... خمینی قدرتمندتر از آنستکه شریعتمداری فعلا بواند با او مقابله کند ولی البته وقتش خواهد رسید ، آذربایجان مترصد اشاره اوست» .

یادداشت‌های مراغه‌ای همچنین نشان میدهد که جاسوسان مسیاه در این دوران، معتقدند که گروهها و نیروهای دیگری در حکومت ، قدرت می‌گیرند و از قدرت و نفوذ رهبر انقلاب دامن گشته میشود. در همین دوران فکر «تنباهی» رهبر انقلاب نیز آشکارا ، ولی از دو زاویه دید کاملاً متفاوت ، پدیده تبلیغ و ترویج میگردد . برخی از زاویه تاکید بر ضرورت یک تحول جدی سیاسی - انقلابی و برخی دیگر از زاویه ضرورت تدارک یک هجوم همه‌جانبه تر برای عقب راندن و تضعیف بیشتر رهبر انقلاب ، این فکر را مطرح میسازند .

امپریالیسم آمریکا نیز چنانکه نشان دادیم ، این فکر را قبول دارد منتها آنرا به مفهوم درم درک میکند و به همین جهت اندیشه عملی ساختن طرح جدیدی را در سر می‌میرواند . این طرح انتقال شاه مخلوع به آمریکا و آغاز یک هجوم سراسری سیاسی - روانی علیه انقلاب ایران است. مفهوم سیاسی این عمل نیز چیزی نیست جز طلب بازگرداندن اوضاع به نظم پیشین .

بر اساس همین محاسبات نیز امپریالیسم آمریکا طرح خود را پیاده می‌کند . او دولت موقت را از مدتی قبل در جریان این عمل قرار میدهد و آنرا متقاعد میسازد و ظاهراً می‌بندارد که با این اقدام مقدمه منکوب ساختن قلمی انقلاب ایران را فراهم میسازد . او «مسیره» خود را به «خانه‌های می‌برد و می‌بندارد که این اقدام خصم را عنقریب به «دات» شدن خواهد کشاند ، ولی امپریالیسم در سطح مبارز طبقه‌ای، بازیکری کوراندیش است . او همواره به «دات» شدن خود کمک میکند و همواره یک عامل را در محاسبات خود نادیده می‌گیرد : توده‌های مردم !



راهپیمانی وحدت علیه امپریالیسم آمریکا، تظاهرات خشم علیه جلا ده‌ها هزار نفر از مردم زحمتکش ما، رژیم ملیه شیطان بزرگ و ام‌الفساد قرن، قدرتی که ملت ما را به محاصره اقتصادی و تجاوز نظامی تهدید میکنند، راهپیمانی نفرت علیه سرکرده غارتگران و جنایتکاران، علیه سرکرده امپریالیست‌ها، امپریالیسم آمریکا! سال گذشته، سال تسدوم رژه خشم و نفرت علیه دشمن اصلی خلقهای جهان و توطئه گر اصلی علیه انقلاب بزرگ ایران، امپریالیسم آمریکا بود. در این سال خیابانها و کوچه‌ها همچون دوران انقلاب از رژه خشم و کین آکنده بود. در آن روزهای مرگ و خون، شعار : «مرگ پرشاه بود، ولی در سال گذشته، خواست همگان این بود: مرگ پر آمریکا! مرگ پر سازشکار!

ترکیب جبهه ضد انقلاب و ائتلاف نامقدس عمال پهنیاد با پیروان نظریات معاویه انقلابی ، بدست دهند . خیر نکاران خیرگزارهای امپریالیستی تبریز را انباشته تا گزارش کاملی از یک «وقام علیه دینتاتوری خمینی» را به سراسر جهان «آزاد» مخابره کنند . آنها سپس اعلام کردند که وقایع تبریز ۷۵٪ محبوبیت کلانی را افزایش داده است.

شدا انقلاب رادبولویزیون تبریز را «آزاد» میکند، تا پیام‌های همبستگی شد. انقلابیون سراسر ایران را با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، اعلام کند. حسن نریه نماینده بورژوازی لیبرال، از طرف شد انقلاب نامه ز ریاست جمهوری میشود و پیام همبستگی او با توطئه گران تبریز از رادبولویزیون پخش میشود. اما این توطئه مخط ناک و سازمان باخته خیلی زود به شکست می‌گراید. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۸ آذرماه مقدم مراغه‌ای نماینده حزب خلق مسلمان در مجلس خبرگان و استانسار دولت مهندس بازرگان، جاسوس سازمان «سیاه» بوده است. این افشاکری ضربه شدیدی به ضد انقلاب وارد میکند و هوشتاری مردم را بدست می‌افزاید. حقایق نشان میدهد که شدا انقلاب منتظر چنین واقعه‌ای نبوده و در مقابل آن بدست فاظکیر میشود. «خلق مسلمان» در ۳ آذرماه نوشته بود:

«چرا دانشجویان پیرو خط امام، اسنادی را که گفتند در روز اول سفر سفارت آمریکا... یافته اند، نشان نمیدهند؟ سفارت آمریکا که نزدیک به ۳ ساعت در برابر دانشجویان مقاومت کرد و در این فاصله اسناد مهم طبقه بندی شده را سوزاند، چرا و چگونه اسنادی را که دال بر دخالتش در امور داخلی ایران و اقدام علیه جمهوری اسلامی است ، بجا گذاشته، آیا این عجیب و غیر عادی نیست؟!»

عوامل فریبی‌های ضد انقلاب خیلی زود در انتظار مردم هشار و آگاه آذربایجان رنگ می‌بازد . رادبولویزیون توسط مردم آزاد میشود. ضد انقلاب پوسته «آزادخواهی» را میدرد و در خیابانها زیر تصاویر شاه مخلوع به مردم هجوم می‌برد و این بی‌انگشکت توطئه‌های شدا انقلاب در فریب مردم است. گروههای مردم، احزاب و نیروهای سیاسی خواستار انحلال حزب «خلق مسلمان» میشوند. مردم آذربایجان توطئه تجویز رهبری را محکوم می‌کنند و این شمار در کوچه‌ها و خیابانها می‌شکند.

از خروش نفرت خود نسبت به امپریالیسم آمریکا انباشته بودند، به جارت امپریالیسم آمریکا و تسلیم حقارت آمین بورژوازی لیبرال در مقابل این عمل آشکارا خصمانه، پاسخی گوینده و دندان شکن دادند.

رهبر انقلاب همچون همیشه به ندای توده‌های مردم پاسخ مثبت داد و «انقلابی آغاز شد بسزگتر از انقلاب اول». جاسوس خانه امپریالیسم آمریکا ، مرکز توطئه و جاسوسی در منطقه، تسخیر شد و چراغ بصفتن و خونین آن بیرون ریخت. قرارداد دو جانبه با امپریالیسم آمریکا، یعنی سند اسارت ایران بدست آمریکا، که ۱۰ ماه تنها به کوشش دولت موقت ایفا شده بود، یاره شد. جریان نفت به روی امپریالیسم نفتخوار قطع شد ، مرزهای مرانی و دریائی ایران به روی آمریکا بسته شد. امام خمینی در پیام خود به مردم رنجیده کردستان، که از آن شجاعت و صداقت بیمانند و تحسین انگیزی تر اوید، حتی خلق کرد را در اداره امور داخلی خود تأیید کرد و آنها را به وحدت در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا دعوت نمود. پیامی که بلافاصله موج عظیم پشتیبانی و تأیید خلق کرد را برانگیخت و نور یکانگی در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، بجای تیرگی نفاق و بدبینی، ایران را فرا گرفت. مذاکرات صلح کردستان، علیرغم تلاشکنی دشمن به پیش رفت و دورنمای امیدبخشی یافت. اصلاحات ارضی بنیادی بسود دهقانان در دستور کار شورای انقلاب قرار گرفت و گامهای جدی برای ایجاد تحولات عمیق اقتصادی در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه برداشته شد. فرمان بسیج تمامی خلق برای مقابله با تجاوز احمالی امپریالیسم آمریکا، از طرف امام صادر شد. هر یک از این ضربات، که زخم مهلکی بر پیکر سلطه امپریالیستی در کشور ما وارد می‌آورد ، زوزه‌های خشم آگینی را در دشمن برمی‌انگیخت. امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها، راهنانه حسابهای بانکی ایران را مسدود نمودند و ایران را به تجاوز نظامی و محاصره اقتصادی تهدید کردند. امپریالیسم آمریکا نارهای خود را سوی سواحل ایران روانه کرد و در تدارک ایجاد مسیاه واکنش سریع ۱۱۰ هزار نفری برای حمله به مناطق نفت خیز خاورمیانه که از ابتدای پیروزی انقلاب گاه و بیگاه مطرح گردیده بود، ترویج شد. توطئه‌های عظیم تری تدارک میشد و کودلهای عمیقتری بر سر راه انقلاب ایران حفر میگردد.

در اواسط آذرماه، در تبریز توطئه‌ای بوقوع پیوست. گروههای گوناگون ضد انقلابی ، زیر لوای «آزادخواهی» و «تصحیح قانون اساسی»، به تحریکات وسیعی دست زدند. از سراسر کشور نیروهای که می‌کوشیدند به ترویج امپریالیسم آمریکا، ایران را سراسر کردستان سازند ، بجانب آذربایجان روانه شدند. «حزب خلق مسلمان» ، «حزب ایران» ، «کومله» ، «فرقان» ، گروه اشرف دهقانی و دیگر گروهکهای مائوئیستی نیروهای خود را به تبریز گسیل کردند تا نمونه شاخصی از



نقشه فیلم سازی سیا علیه افغانستان فاش شد

رژیم شاه الحسینی پیش از این در لجنزار هندسی با امپریالیسم آمریکا و نادیده گرفتن منافع خلفای پاکستان فرو میرود. این رژیم در اجرای طرحهای امپریالیسم آمریکا و مائوئیستهای چین علیه افغانستان نقش درجه اول را بر عهده گرفته است. از جمله اکنون در نزدیکی شهر پشاور در پاکستان با اصطلاح «فیلم مستند» در باره وقایع افغانستان تهیه میشود که قرار است آنرا در کنفرانس کشورهای اسلامی در ماه آوریل نشان دهند. در این فیلم سازان پاکستانی او نفیورم سربازان افغانی را به تن کرده و عده ای از افغانی های فراری در پاکستان نیز نقش «قهرمانان» را در فیلم برعهده دارند. صحنه های اصلی فیلم در نزدیکی مرز افغانستان و پاکستان فیلمبرداری میشود.

گزارشهای رسیده حکایت از آن دارد که سازمان سیا هزینه تولید این فیلم را به مبلغ ۱۰۰ هزار دلار برآورد کرده است. هدف از تهیه فیلم آن است که کنفرانس کشورهای اسلامی را تحت تاثیر قرار دهد. اما با فاش شدن این نقشه مشکوک، تمام رشته های سازمان سیا و عوامل آن در پاکستان پنهان شده است.

نرخ تورم در انگلستان با سرعت روبه افزایش است

نرخ تورم در جهان سرمایه داری با سرعت فراوان روبه افزایش است و زحمتکشان شدیداً زیر فشار قرار گرفته اند. بنا به آمارهای منتشر شده در انگلیس، نرخ تورم در دو ماه سال جاری در این کشور بطور متوسط ۹/۱ درصد بوده است. بدین ترتیب حد نصاب سال گذشته تاکنون شکسته شده است. سال گذشته افزایش نرخ تورم در انگلیس حدود ۱۸/۵ درصد بود.

ژورژ مارش، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، از دولت فرانسه خواست که سازمان آزادیبخش فلسطین را رسمیت بخشد

ژورژ مارش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، طی نامه ای، از آلژیر ژنرال دستان رئیس جمهور فرانسه خواستار شکست دولت فرانسه سازمان آزادیبخش فلسطین را برسمیت بخشد و با سرسریقات رهبران سازمان را برای دیدار رسمی به فرانسه دعوت کند.

ژورژ مارش در این نامه خاطر نشان میکند که شناسایی رسمی این سازمان و دعوت از اسیران رهبران به فرانسه، علاوه بر اینکه حمایت جهانی فرانسه را بالا خواهد برد، در عین حال دلیل عینی آن خواهد بود که راه مذاکرات برای حل و فصل سیاسی مسئله فلسطین باز است.

چین هم مانند آمریکا، آرزوی بازگشت رژیم جنایتکار سابق را در کامپوچیا، در سر می پروراند

دولت کامپوچیا دیدار خوبمافان عروسک خیمه شب بازی چین و آمریکا از یکدیگر، به عنوان «رهبر کامپوچیا» (۱) مورد استقبال مقامهای چینی قرار گرفت. یک «کمدی سیخ» خوانده رادویی پنهان اعلام کرده که دیدار این مزدور مائوئیست از چین نشان میدهد که برتری طلبان چینی با همکاری امپریالیسم آمریکا، آرزوی اعاده وضع سابق را در کامپوچیا در سر می پروراند. رادویی پنهان گفته که این آرزوی است که نقش بر آب میشود و خلق کامپوچیا دیگر هرگز به دوران ترو و وحشت گذشته باز نخواهد گشت.

آمریکا رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی را مسلح می کند

نشریه «آفروک-آزی» از پیوندهای نظامی جنایتکارانه آمریکا با رژیم نژادپرست پر توریایرده برداشته است. این نشریه می نویسد که سالها است مخالفان آپارتاید ارسال غیر قانونی سلاح آسوی آمریکا به آفریقای جنوبی را توجیه میکنند. برخلاف اعلامیه های دولت آمریکا مبنی بر اینکه این اتهامها با اصطلاح بسی اساسی است، حتی روزنامه های آمریکایی مانند واشنگتن پست نیز آنرا تایید کرده اند. آمریکا مقادیر ضعیفی سلاح به آفریقای جنوبی ارسال میدارد. آمریکاییان از طریق کشورهای ثالث برای آفریقای جنوبی اسلحه ارسال میدادند. امپریالیسم آمریکا همچنین تکنولوژی پیشرفته تسلیحاتی را در اختیار رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قرار میدهد. همه این اقدامات برخلاف تصمیم شورای امنیت در مورد تحریم تسلیحاتی آفریقای جنوبی صورت میگیرد.

رفیق کیانوری: مسئولیت دخالتها و نارسائی ها در انتخابات مجلس شورایی با شورای انقلاب و ریاست جمهوری است

نمایندگان حزب جمهوری اسلامی و گروه های موافق آن، حتی در روز پنجشنبه و جمعه از همه امکانات استفاده کرده و مردم را علیه گروه های دیگر و ویژه حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریکهای فدایی خلق تحریک کرده اند.

در بسیاری از مراکز رای گیری، در جریان نوشتن رای برای بیسوادان، بطور روشن اعمال نفوذ شده است.

اشکال تقلب در این انتخابات در سطح ملی و در جریان خواندن آراء، که بکلی غیر قابل کنترل است، جستجو کرد.

این گونه تقلب در رای گیری و رای خوانی در انتخابات مجلس خبرگان هم انجام یافت. در این میدان عمل، دیش و قیچی در دست هیئت نظارت انتخابات است، که به طور انصاری، لاقلاً ۹۵ درصد افرادش، از وابستگان و نزدیکان حزب جمهوری اسلامی و گروه های موافق آن تشکیل شده اند.

باز معنی بر کمبودهای نظامی و قانونی کوضع شده، با شورای انقلاب و رئیس جمهوری است، که در ضمن ریاست شورای انقلاب راهم برعهده دارد. اینها دو مقام رسمی مسئولیت دار مورد قبول اند. شورای انقلاب است که سرپرست وزارت کشور را تعیین کرده و سرپرست وزارت کشور است که تمام نهادها و سازمان های اداره کننده انتخابات را تعیین کرده و مسئولیت درستی کار را برعهده گرفته است.

اگر مقام ریاست جمهوری هم صدایش از دخالتها و تقلبات در انتخابات در آمده است، باید بیادشان آورد.

«از شمامت که بر شمامت»

بمناسبت دخالتها، تقلبات، نارسائی و کمبودهایی که در جریان انتخابات مجلس شورایی مشاهده شده است نامه مردم لازم دید نظر رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را در این باره بپرسد، در زیر پرستی ها و پاسخها را میخواند:

پرسش: نظر شما درباره دخالتها و تقلباتی که هنگام رای گیری در انتخابات مجلس شورایی صورت گرفته، چیست؟

پاسخ: خبرهایی که از بسیاری از شهرها و مراکز رای گیری میرسد، گویای این واقعیت است که تنها پیش از رای گیری از سوی مقامات با نفوذ مرکزی و محلی اعمال نفوذهای جدی بعمل آمده، بلکه در جریان رای گیری هم تقلبات بسیاری انجام گرفته است. این تقلبات از قدرت شور است که خان هم بصورت آمد و حتی سرپرست وزارت کشور و رئیس جمهور هم بطنی از این تقلبات را پذیرفته اند.

برای حزب توده ایران این اعمال نفوذها و این تقلبات غیر منطقی و تعجب آورنده است. ما از گروه های انصار طلب و از نیروهای ارتجاعی، که برخی از حاسترین مقامات اداری و نظامی و پلیس و ژاندارمری را در دست دارند و در نهادهای انقلاب هم مواضع مهمی را نشان داده اند، انتظار دیگری نداشتیم و به همه های پر آب و تاب وزارت کشور و ریاست جمهوری هم دل خوش نکرديم.

پرسش: اشکال این دخالتها و تقلبات چگونه بوده است؟

پاسخ: دخالت و اعمال نفوذ بطور عمده باین صورت بوده است که در بسیاری از حوزه های انتخاباتی، اعمال نفوذها و این تقلبات غیر منطقی و تعجب آورنده است. ما از گروه های انصار طلب و از نیروهای ارتجاعی، که برخی از حاسترین مقامات اداری و نظامی و پلیس و ژاندارمری را در دست دارند و در نهادهای انقلاب هم مواضع مهمی را نشان داده اند، انتظار دیگری نداشتیم و به همه های پر آب و تاب وزارت کشور و ریاست جمهوری هم دل خوش نکرديم.

«چپ زدائی» بجای تلاش برای احیای فرهنگ

آموزش و پرورش در پاره ای از شهرها، از جمله از پیروزی انقلاب، بجای تلاش در راه زدودن آثار طاغوت و احیای فرهنگ سالم و پاکسازی زندگان شاهنشاهی از محیط مدارس و فراهم آوردن شرایط بهتر تحصیلی برای میلیونها دانش آموز ایرانی که در رژیم شاهنشاهی از آن محروم بودند، گویا تمام تلاش خود را صرف بقول برخی «چپ زدائی» کرده است و این خود باعث بسیاری از اختلافات و درگیریها در مدارس شده است.

یکی از این شهرها، که از مدارس مختلف آن گزارشهای در این زمینه به ما میرسد، شهر کرج است که بسیاری از مدارس آن از ابتدائی ترین امکانات محروم اند، اما در عوض در میان کادر این مدارس، از سوئی و بین دانش آموزان و مسئولان از سوئی و دیگر پرسنالی که زیر چتر «مدارنه» با کمونیسم طرح میشود و عملیات ضد انقلاب است، بی وقفه درگیری وجود دارد. گزارش را میتوان نمونه از میان گزارشهای که درباره آموزش و پرورش کرج رسیده است، چاپ میکنیم.

این گزارش را با این آگاهی باید خواند که در این مدارس و مدارس شبیه آن، بجای هر چه، بحثهای انحرافی، که محور اصلی آن با اصطلاح چپشناسی و چپ زدائی است، جریان دارد.

در کوهردشت کرج مدرسه ای وجود دارد بنام اردمندی ترقی. قبل از هر چیز باید گفت که به دانش آموزان این مدرسه واقفان ظلم شده است. این ظلم شامل حال کارکنان این مدرسه هم البته شده است. مدرسه ۱۵۰۰ شاگرد دارد که در سه نوبت ۱۰۰-۲۰۰-۱۰۰-۵۰۰-۲۰۰ با اصطلاح در آن درس میخوانند. اگر بزرگ تفریح را حساب کنید، در حقیقت شاگردان در این مدرسه حدود ۳۰۰ ساعت درس میخوانند اغلب شاگردان این مدرسه در مرحله اوقاف کوهردشت سکونت دارند در هر کلاس حداقل ۵۰ شاگرد جای داده شده اند و معلم کلاس در واقع نقش معلم کلاس را دارد، چون بی وقفه برای اسکت کردن بچه ها باید تلاش کند. باید گفت که شاگردان این مدرسه فقط ثبت نام کرده اند و از درس آنها تنها آنکه باید بخیر نیست.

نظیر این مدرسه در شهر کرج و شهرهای اطراف آن مانند دیگر نقاط ایران زیاد است. میتوان نمونه از مدرسه دیگری بنام ۱۶ مهر، که راهنمایی است، یاد میکنیم این مدرسه نیز کم و بیش وضع مدرسه قبلی را دارد. اما باید بگویم که در کوهردشت کرج بکوتی که این درگیریها نیز اغلب در مدارس رایج است.

معلمین و دفتر داران این مدرسه مدتها سعی کردند یک نظام شورائی در مدرسه پیاده کنند، تا بلکه مشکلات را بتوان سر منحل کرد. ولی مدیر مدرسه از این عمل جلوگیری کرد. همین مدیر مدرسه بلافاصله پس از رسیدن، بهشتنامه ای از من کز درباره جلوگیری از نصب پوست در مدارس، بر کلاسهای خود افزود و ضمن کندن تمام پوستها از در و دیوار مدرسه، نوعی تفتیش عقیده را نیز در مدرسه شروع کرد که این آغاز پاره ای از درگیریها شد.

انسان بی اختیار بیاد آن جمله معروف زنده باد آیت الله مطلقانی در آخرین خطب نماز جمعه اش در دهشت زهر ا می افتد که فریاد کشید:

«میگویند اگر شوراها تشکیل شود، آنوقت ما چه کاره ایم؟ هیچ، بروید دنبال کارتان. این مردمند که انقلاب کردند و حالا حق دارند بر مقدراتشان حاکم باشند»

اعلام جرم علیه روزنامه جمهوری اسلامی

روزنامه جمهوری اسلامی که در روزها و افتراهای آن علیه حزب توده ایران روز بروز افزایش می یابد، کادرفرا را در شماره ۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۸ به اوج خود رسانده است. این روزنامه در مقاله «مفهوم استقلال سازی با شرق نیست» از حزب توده ایران بنام «ستون پنجم روسها در ایران» نام برده است.

ما ضمن اعلام جرم علیه این افتراهای پشیمانانه، هشدار می دهیم که این خط روزنامه جمهوری اسلامی فقط بسود امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی است، سر نظر از آنکه زیر چتر نامی و با چه شکلی و با چه بهانه ای انجام گیرد.

ما درباره این خط، روزنامه جمهوری اسلامی در آینده به تفصیل اظهار نظر خواهیم کرد.

هم آوایی با ارگان های تبلیغاتی امپریالیستی

صداسیماي جمهوری اسلامی ایران روز ۲۴ اسفند، ۸ خبر و روز ۲۵ اسفند ۱۲ خبر از خبرگزاریهای امپریالیستی و صهیونیستی فرانسه، آسوشیتد پرس، یونایتد پرس و رویتز نقل کرد.

اگر متوجه هم آوایی صداسیماي جمهوری اسلامی ایران با ارگان های تبلیغاتی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را رسم می کردیم، شاید امروز به یکی از نقاط عطف آن می رسیدیم، البته بشرط آنکه بر این منحنی سیر نزولی متوقف بود. ولی ظاهراً این راه هنوز روبه بالاست و دست اندر کاران صداسیماي جمهوری اسلامی ایران هنوز به راه انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک و خلقی ایران، گام ننهاده اند.

۸ خبر از قول خبرگزاری فرانسه، ۲ خبر از رویتز، ۱ خبر از یونایتد پرس و ۲ خبر از آسوشیتد پرس پرورنده خوبی نیست. اما البته ۲ خبر از نماینده رادیو تلویزیون، که در این نامه های دیگر غایب بوده، امیدوارکننده است. و ما به انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک و خلقی ایران و نیروی توده ها امید بسیار داریم.

نام خبرگزاری	ساعت	ساعت	ساعت
آسوشیتد پرس	۱	۱۴	۲۰
فرانسه	۱	۶	۱
یونایتد پرس	۱	۱	-
رویتز	۲	-	-
خبرگزاری ها	۴	۱	۴

منافع خویش را در کل منظره می بیند و همین دلیل انسان وحشت کرده است. وحشت او بیجاست. قرن ها، قرن پیروزی خلقها و زوال محتوم سبطوره سرمایه داری جهانی و امپریالیسم است و هیچ انتقاری برای مردم ایران از آن بالاتر نیست که انقلاب آنها، یکی از قاطع ترین ضوابط را بر این پیکره منحوس وارد سازد.

این هم میانی، متعین، در حال فرو ریختن است، بگذار از وحشت یو خود بپروزد.

فعالیت های ضد انقلاب و کارشکنی های بورژوازی لیبرال

یکی دیگری را بگوید. میگوید تا تبلیغ افکار «خطر شوروی»، انقلاب ایران را از زیر چتر دوست و متحد خود جدا سازد و مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران را متوقف کند.

ولی امپریالیسم آمریکا، هیچ خلعتی نمی تواند بپوشد (امام خمینی). او خود ام الفساد است و خود موجد خطر برای ما و دیگر خلقهای مستعمرات است. بودجه ۱۹۷۷ میلادی دلاری نظامی امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه ۱۰

فدای امپریالیستی و خلقی آن رشد بیشتری می یابد، این تلاشها نیز شدیدتر، دیوانه وادرن و غنپ آلودتر میشوند.

در یکساله پس از انقلاب عظیم و تاریخی ایران، نقش بندهای میان طبقات جامعه، سرمت بی نظیری گرفته است. دهقانان که در دوران انقلاب بنده نیست، خنالی و علاقمندی اندکی از خود نشان میدادند، اکنون در پیروزی این انقلاب و به فرجام رساندن آن، خود را بهیم میدانند. مبارزه ضد فئودالی و ضد زمینداری بزرگ، مبارزه برای زمین در روستاهای کشور نشانی بسیار پخته ای یافته است، روندی که اگر به دوام فملی پیش رود

و گسترش یابد، بیشک در پیروزی قلمی انقلاب، نقش بی عظمی ایفا خواهد کرد. بورژوازی لیبرال در طول یکساله پس از انقلاب، خود را به شدت مفتضح و رسوا ساخته است. هر چند این قش از سرمایه داری هنوز مواضع مهمی را در قدرت سیاسی در اختیار دارد، ولی روز بروز بیشتر راه افراد و نابودی می یابد. ضرورت جهت متحد خلق هر روز در بونه مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی بیشتر می گذارد و صفوف نیروهای تشکیل دهنده این جبهه هر روز پیش از روز قبل، در عمل و یکدیگر پیوسته می یابند.

امپریالیسم آمریکا تهدید می کند، روزهای خشم سرمایه داری مردم ایران را

دستور زبان و حساب برای آقای نازک بین

از آنجا که متاسفانه کلاس های اکابر هنوز تشکیل نشده است، نویسندگان «نامه مردم» تصمیم گرفتند برای برخی از افراد که خیلی «نازک بین» تشریف دارند و هنوز برخلاف دستور امام درباره پیچ برای سواد آموزی، در کلاس های مربوطه شرکت نکرده اند، کلاس تشکیل بدهند.

از آنجا که شرکت در سواد آموزی وظیفه انقلابیون است و باید با گذشتن سواد و پیشین اجتماعی به دیگران کمک کرد که راه را از چاه بپوشانند اولین کلاس را برای آقای «نازک بین» تشکیل بدهیم. البته مجبوریم ایشان را در کلاس پایه بنشانیم و در این کلاس درباره جمع بستن در زبان فارسی و نحوه جمع بستن اعداد در فارسی کمی صحبت میکنیم. (از خوانندگان «نامه مردم» خواهشمندیم که سطح پایین این کلاس را تحمل کنند).

درس اول: اسامی جمع را چگونه تشخیص بدهیم

دربان فارسی «اسم» را با اضافه کردن «ان» و یا «ها» جمع میکنند.

مثلا «کاندید» يك اسم مفرد است، كه به معنی «نامزد» است. برای جمع بستن این اسم يك «ه» به آن اضافه می کنیم. پايین ترتيب، جمع کاندیدا می شود: «کاندیداهای».

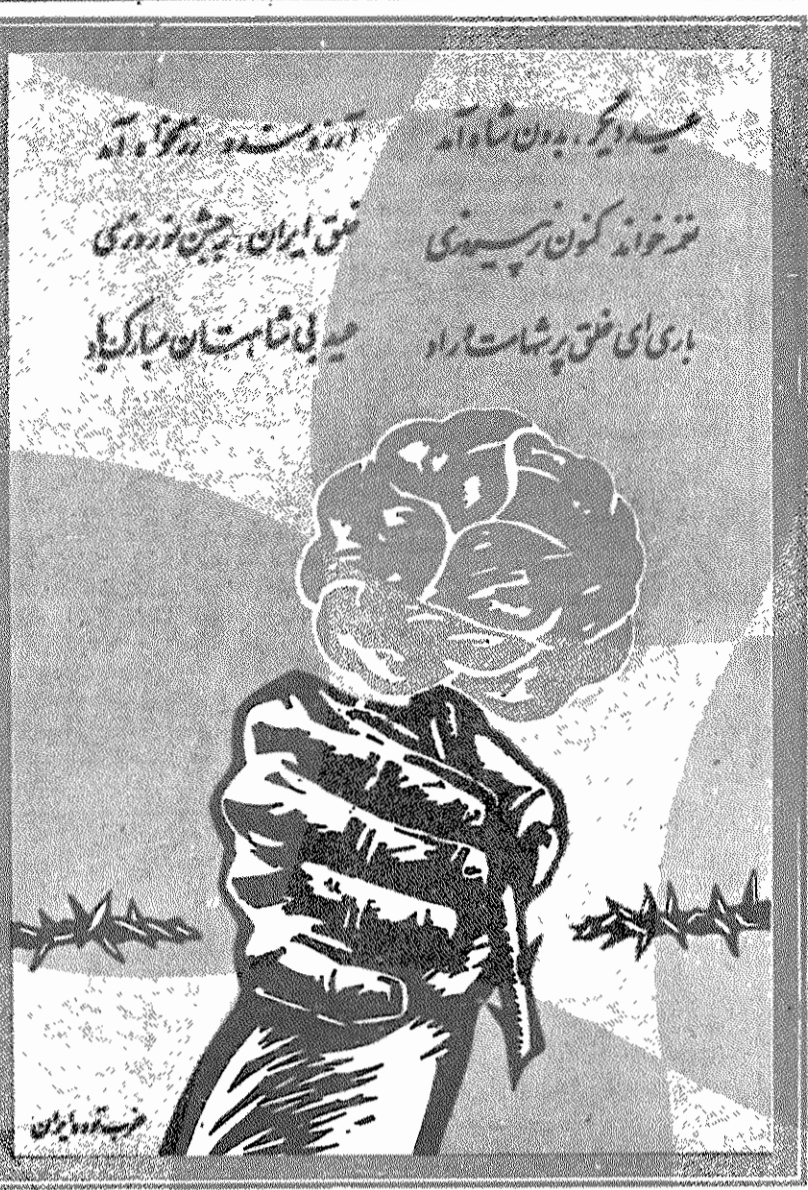
اگر ما در انتخابات شرکت کنیم و «کاندیدای ما» یعنی يك نفر، در زمان طغوت زندانی شده باشد و بخواهیم این مسئله را عنوان کنیم

- ۲۲ احمد برادران آهنگر
- ۲ علی اصغر بنائی
- ۱۸ هشتم بنی طرفی
- ۳ علی قرایی
- ۳ جعفر چارودین
- ۲ حسین چودت
- ۴ حبیباله حبیبی
- ۲۵ عباس حبیبی
- ۸ محمد حقیقت
- ۲ ابوالحسن خلیب
- ۳ مرادعلی خورشیدی
- ۱ حسین زراسوند
- ۴۰ احمد زركش
- ۱۰۰ تیمور شکوریان
- ۲ رضا شلتوکی
- ۲ حسین شیروانی
- ۵ اسفندیار صادق زاده
- ۴ احسان طبری
- ۲۵ محمدعلی عسوی
- ۱۶ حمید قام نریمان
- ۴ عباسعلی فرزندیان
- ۶ محمد قاضی
- ۱ حسین قلمی
- ۲ محمد کاظمی
- ۲ نورالدین کیانوری
- ۲۵ تقی کیانی
- ۱۲ سایر محمدرضا
- ۱۵ رضا نبائی

برای اینکه بتوانیم مقدار زندان «کاندیداهای» اگر در این فاصله «نازک بین» جمع بستن را با دهه فراموش نکرده باشد، بدست بیاوریم، مقدار زندان آنها را به شکلی که در بالا دیدیم، جمع می کنیم و رقم ۲۷۸ سال بدست می آید. یعنی نازک بین سه قرن و مدت زندان

درس دوم: اعداد را چگونه در فارسی جمع کنیم

درس بعدی مادرباره جمع بستن اعداد را خواهیم دید.



ضد انقلاب باز هم به محل فروش نشریات حزب توده ایران در سقز حمله کرد



خبر حمله به محل فروش نشریات قبل از آنجسام، در نشریه «کومله» درج شده بود!

به دنبال حمله عوامل ضد انقلاب به محل فروش نشریات حزب توده ایران در سقز و خانه یکی از هواداران حزب در این شهر، سازمان حزب توده ایران در سقز ضمن صدور اطلاعیه ای، توطئه های جدید عوامل ضد انقلاب را افشا و محکوم کرد.

ایران در سقز ضمن تشریح این واقعه، که روز ۱۰ اسفند ماه و همزمان با راهپیمایی دانشجویان پیشگام سقز صورت گرفت، آمده است:

«... کسانی که به حزب توده ایران حمله می کنند، بسیار خوب تشخیر داده اند که دشمنان کیست و می دانند که این دشمنان را سرسازش نیست و آنسان نیز از همین هم دارند... ما همه از حمله به محل فروش نشریات حزب توده ایران تا به این روزها در این میان مردم رفتیم و نظرها را در این باره جویندیم. بدون استثنا

برای شهیدان حزب و جنبش مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت متکین و منفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده اند، جمع آوری کند.

از همه میهن دوستان آزادی خواهان تقاضا می شود که هر عکس از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

یاسپاس - «مردم»

ضد خلقی علیه انقلاب ایران بود. در کردستان نیاز به بازگویی ندارد. ارتش جمهوری اسلامی ایران که در کردستان باید حافظ مرزهای ایران در مقابل تحریکات این دشمن توطئه گر باشد، موظف است بر انجام وظایف خود با مسئولیت و قاطعیت بیشتری تا کبدورزد. تملق مسئولین ارتش جمهوری اسلامی ایران در مقابل تحریکات دشمنان انقلاب، خطر بزرگی را برای انقلاب ایران پدید خواهد آورد.

کتاب های عامل رژیم شاه مخلوع توصیه میشوند؟!!

شورای کارکنان کتابخانه های عمومی تهران ضمن نامه ای به وزیر فرهنگ و آموزش عالی، به نوع کتاب های ارسالی از دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های کشور به کتابخانه ها اعتراض کرد. در نامه این شورا ضمن اشاره به ماهیت انقلاب ایران و نیازهای پس از انقلاب جامعه ایران آمده است:

«... همه آنان که به این انقلاب و بهای گران که خلق جانباختگان ایران برای آن پرداخته است، مومن اند، وظیفه خود میدانند با جان و دل از آن پاسداری کنند. کارکنان کتابخانه های عمومی بنابه شغل و حرفه خاصی که دارند، باید از طریق عرضه کتب سودمند و انقلابی و ارتقاء سطح آگاهی جامعه به حفظ و تسبیح انقلاب در حد توان خویش یاری رسانند. متاسفانه تلاش و کوششی که همکاران سایر ارگان های مملکتی برای ایجاد تغییرات در این ارگان ها و تحول انقلابی ماهیت آنان از طرف کارکنان کتابخانه های عمومی به عمل آمده، تا به حال با سکوت و بی تفاوتی مقامات مسئول مواجه شده است.»

در دنباله این نامه اشاره شده است که پس از پیروزی انقلاب هیچگونه دستورالعملی مبنی بر تصفیه کتابهای مبتذل و درباری و وابسته به رژیم سابق، که جای بسیار بزرگی را در کتابخانه های عمومی اشغال کرده بودند، از طرف این مقامات صادر نشده و خود کتابداران راسا به خارج نمودن کتب مذکور دست داشتند، به دفتر مردم مراجعه کردند و خبری را که در شماره ۱۹ «نامه مردم» درج شده بود. درباره اینکه در مدرسه عبدالله رحمتا تفتیش عقاید وجود دارد، تکذیب کردند.

موزه های ایران و عراق بدون حفاظ است

نبردهای عراقی روز ۲۱ بهمن با استفاده از خالی بودن پادگان ابوذر سرپل ذهاب از افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران، به پاسگاه های مرزی کشور، حمله کردند.

بر اساس اطلاع رسیده، افراد این پادگان که در پاسگاه گرده نو و قله کوه مستقر هستند، در این روز به عنوان شرکت در رژه سالروز انقلاب محل خدمت خود را ترک کردند و عراقی ها با استفاده از مرزهای بدون حفاظ، به این پاسگاه حمله کردند. در جریان این حمله ۲ زندان مجروح شدند.

به دنبال این واقعه مسئول سپاه پاسداران قصر شیرین به فراخوان نیروهای ارتش اعتراض و اعلام کرد که:

«موزه ایران و عراق برای رفت و آمد با راست و نبروهای انتظامی از رفت و آمدها جلوگیری نمی کنند. به همین جهت مهاجمان عراقی آزادانه و به سادگی به شهرهای مرزی و پاسگاه مرزی قله کوه و گرده نو حمله می کنند.»

مقامات مسئول مملکتی تاکنون هیچ اقدامی در این مورد انجام نداده اند و استاندار کرمانشاه نیز سرعیا اعلام کرده است که زاندا مرزی نمی تواند مرز را کنترل کند.

دولت بعثتی عراق، از دشمنان انقلاب ایران و از جمله توطئه گران علیه منافع واقعی مردم ایران است. تحریکات این رژیم

تکذیب

چند تن از دانش آموزان مدرسه راهنمایی تمسیمی عبدالله رحمتا، که دو تن از آنان کثرت نمایندگی دانش آموزان را در

دست داشتند، به دفتر مردم مراجعه کردند و خبری را که در شماره ۱۹ «نامه مردم» درج شده بود. درباره اینکه در مدرسه عبدالله رحمتا تفتیش عقاید وجود دارد، تکذیب کردند.

«نامه مردم» ضمن درج این مطلب خود به تحقیق در این مورد ادامه خواهد داد و نظر خود را اعلام خواهد کرد.

توجه!

جله «پوش و پاسخ» این هفته به مناسبت هفت روزگی تشکیل میشود. از هفته آینده جلسات «پوش و پاسخ» روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۹ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی

خیابان آذرشماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹

چاپ: کواپان

MARDOM
No. 195
18 March 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 35 L.
USA 80 Cts.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلع با دواز نظ نظامی محو شود